

راه توده

شهره‌پردازان حزب توده ایران در طرح از کشور

جمعه ۷ بهمن ۱۳۶۲ مطابق
۲۷ ژانویه ۱۹۸۴
سال دوم، شماره ۷۷
پهنا: ۴۰ سانتی‌متر

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت صدور احکام جابرانه پیدادگاه‌های نظامی در تهران علیه ۱۰۱ افسر میهن پرست
و اعضای حزب توده ایران

مسئولین قضائی ایران با انصراف از همه اصول قضائی و مقررات دادرسی و نیز نادیده گرفتن اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی، احکام محکومیت ۸۷ نفر از ۱۰۱ نفر افسران میهن پرست و اعضای حزب توده ایران را اعلام کردند. شش نفر محکوم به زندان ابد و بقیه از ۳۰ سال تا ۵ سال و از آن جمله سه نفر به یک سال زندان محکوم گردیدند. سرنوشت ۱۴ نفر از قربانیان رژیم هنوز معلوم نیست. می‌توان حدس زد که جان آنان در خطر است. نمایندگان محافظ ارتجاعی با این اقدام پربرمنشانه، خصومت کور خود را نسبت به مبارزان صادق راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بار دیگر در پهنه عمل به نمایش گذاردند. حتی اطلاعات ناقص و دستکاری شده روزنامه‌های مجاز حکایت از آن دارند که گردانندگان دادگاه انقلاب اسلامی ارتش نتوانسته‌اند دلیل معقول و موثقی در اثبات جرائم واهی بقیه در صفحه ۲

سرکوب رسمی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز اعلام شد!

(اکثریت) نیز خط و نشان کشید و به امپریالیسم و ارتجاع "نوید" داد که به زودی این سازمان نیز "منحله" اعلام خواهند شد و اعضای آن باید خود را به مقامات مربوطه معرفی کنند.

بقیه در صفحه ۲

حجت الاسلام ری شهری، رئیس دادگاه انقلاب ارتش ج ۱۰، در صاحب‌های که طی آن احکام عیر عادلانه ۱۰۱ تن از افسران میهن دوست و تعدادی از فعالین حزب توده ایران را اعلام کرد، برای سازمان فدائیان خلق ایران

رفسنجانی: سلاحهای آمریکایی و انگلیسی از نان شب برای ما واجب تر است

میهن ما در هفته‌های اخیر شاهد رویداد های شوم و نفرت انگیزی است. باتلاق خیانت به آرمانهای انقلاب، رهبران ج ۱۰ را بیش از پیش به کام خود می‌کشد. دستاورد های ارجمنده انقلاب شوکه‌مند میهن ما، در بازار مکاره معاملات رسوای ضد انقلابی، به واسطگی تزویر و ریاکاری سیاستمداران ورشکسته به تصویر به حراج گذاشته می‌شوند.

با سه سخنرانی پیاپی هاشمی رفسنجانی رئیس‌مجلس و نماینده آیت الله خمینی در شورای عالی دفاع که هم زمان با پایان گرفتن خطبه های نماز "در باره عدالت اجتماعی" بود، سیاست ترمیم و توسعه وابستگی تسلیحاتی ج ۱۰ به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به بهانه "اهمیت" پیروزی در جنگ توسعه طلبانه با عراق، وارد مراحل نوینی شد. آقای هاشمی به دنبال صاحب "معروفش، یا مجله "کویتی" صوت الخلیج" که طی آن از "قدرت های بزرگ" استدعای فروش سلاح های استراتژیک و دور برد به ج ۱۰ را داشت، با این سخنرانی ها فراز نویسی را در روند بازگشت انقلاب و زانو زدن در برابر امپریالیسم و نشیب تازه‌ای را در زندگی سیاسی خویش رقم زد. سر فصل تازه‌ای که در این سخنرانی ها گشوده شده است، به طور خلاصه از این قرار است:

آمریکا ۲۷۰۰ قرار داد فروش اسلحه با رژیم شاه منعقد کرده بود. گویا این سلاح ها از هواپیما های آواکس و اف-۱۶ تا موشک های بقیه در صفحه ۶

قربانی دیگر تو حش بی حجاب احسان طبری، در اثر شکنجه های جسمی و روحی کارگزاران امپریالیسم و ارتجاع، به سکنه مغزی دچار شده است

هاشمی رفسنجانی که اخیرا به مقام "دلالی" امپریالیسم و انحصارات اسلحه سازی آمریکائی ارتقا یافته است، با رأفت اسلامی خاص خود می‌گوید:

"این پیر مرد که سکنه مغزی نیز کرده است، در آنجا تنها مورد پذیرائی قرار می‌گیرد تا نمرد، حال آنکه اگر بیرون بود، ممکن بود بمیرد!" (اطلاعات - ۲۴ دی) بقیه در صفحه ۷

سباحت و تو حش بی حجاب سردمداران ج ۱۰ اینک قربانی دیگری می‌گیرد. احسان طبری، دانشمند، فیلسوف، زبان‌شناس، شاعر و نویسنده ای که اهل علم و ادب و همه مردم انقلابی و مترقی جهان در برابر مقام شامخ علمی و فلسفی و ادبی ۰۰۰ و شخصیت برجسته وی سر تعظیم فرود می‌آورند، در اثر شکنجه های جسمی و روحی کارگزاران امپریالیسم و ارتجاع در سیاهچالهای ج ۱۰، به سکنه مغزی دچار آمده است.

موج پشتیبانی نیروهای دموکراتیک و مترقی سراسر جهان از حزب توده ایران و توده ایهای درینده همچنان ادامه دارد!

داخلی و خارجی به پایان برد اعتراضات گسترده نیروهای دموکراتیک و مترقی که از ابتدای سرکوب حزب توده ایران، یکپارچه بقیه در صفحه ۳

پیدادگاه های نظامی ج ۱۰، مرحله اول "محاکمات" میهن دوستان و برخی از فعالین حزب توده ایران را، پشت درهای بسته بی حضور ناظران بین المللی، وکلای مدافع و خبرنگاران

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت صدور احکام جابریانه پیدادگاه‌های نظامی در تهران علیه ۱۰۱ افسر میهن پرست و اعضای حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

ارائه دهند . گرچه رئیس و دادستان دادگاه کوشیدند با توسل به انواع ترفند ها جرائم ناکرده را به اثبات برسانند ، افسران میهن پرست علیه رستم فشار بی سابقه ، در جریان دادرسی اتهام " سیا " ساخته جاسوسی و براندازی را قویا تکذیب کردند .

استفاده از متهمین به عنوان شاهد در جریان دادرسی ، که مخایرت آشکار با اصول قضائی و موازین اخلاقی دارد و از نظر اصول شرعی مورد استناد سران جمهوری اسلامی نیز خدشه دار است ، به صراحت نشان داد که هیئت حاکمه ایران به رغم جنجال تبلیغاتی ، فاقد دلیل برای اثبات اتهامات بی اساس است و می کوشد در جریان دادرسی ، از زبان متهمین زیر قید و بند شکنجه های شدیدی جسمی و روحی به اصطلاح دلیل بپراشد .

بپره گیری از این شیوه مطرود موید آنست که در کيفرخواست دادستان اثر و نشانه های از عنصر حقیقت وجود نداشت .

یگانه " گناه نابخشودنی " افسران میهن پرست و اعضای حزب توده ایران ، که در مجموع

به بیش از ۷۰۰ سال زندان محکوم گردیده اند چنانکه در دادگاه نظامی اعلام کردند ، دفاع از انقلاب و مبارزه در راه نجات توده های محروم بود .

اکنون مردم ایران و جهان به خوبی می دانند ، آنچه در جمهوری اسلامی ایران به پشت میز محاکمه کشانده شده ، عقاید و نظریات اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی اعضای حزب توده ایران است .

حکام جمهوری اسلامی که با چرخش به راست در زمینه سیاست داخلی و خارجی به آماج های انقلاب بهمن ۵۷ پشت کرده اند ، برای نزدیکی هرچه بیشتر به امپریالیسم تجاوز - کار آمریکا به ماجراجویی سیاسی بی نظیسی در تاریخ معاصر ایران متوسل شده اند . هسانی و همگونی تبلیغات لجام گسیخته علیه اتحاد شوروی ، همسایه و دوست نزدیک خلق های کشور ما ، با سیاست شوروی ستیزی رونالد ریگان ، مضمون عمده این ماجراجویی سیاسی را تشکیل می دهد که با مصالح ملی ایران عمیقاً در تضاد است .

مقیاس فاجعه آمیز اقدامات محافل ارتجاعی هر روز گسترده تر می شود . هنوز هزاران نفر از اعضای حزب توده ایران در فراموشخانه های جمهوری اسلامی در معرض وحشیانه ترس شکنجه ها قرار دارند و طبق اعلام محافل قضاة به زودی محاکمه ۲۰۰ نفر از آنان در زندان اوین ، شکنجه گاه مشهور و مخوف به ارث رسیده از رژیم شاه مخلوع ، آنجا که ساواک توده های دیگر مبارزان راه آزادی را زیر شکنجه به هلاک می رساند ، آغاز خواهد شد .

کمیته مرکزی حزب توده ایران اقدامات ضد انسانی و غیرقانونی محافل ارتجاعی جمهوری اسلامی را به شدت محکوم می کند و از همه نیر های مترقی و شخصیت های شریف و آزاد جهان دعوت می کند تا صدای اعتراض خود را علیه احکام جابریانه دادگاه های نظامی و سرکوب میهن دوستان و مبارزان راه استقلال ، آزادی عدالت اجتماعی بلند کنند .

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۴ بهمن ماه ۱۳۶۲

سرکوب رسمی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز اعلام شد!

بقیه از صفحه ۱

واقعیت اینست که هم امروز نیز " هر هفته ، حداقل ده تن به عنوان کادر مسئول ، عضو و یا هوادار اکثریت در سراسر کشور بازداشت می شوند . رفیق فرخ نگهدار در جزوه " پرورش و پاسخ خود بر این نکته تأکید می کند که :

" ما اطلاع داریم بازداشت شدگان و حتی چند تن از مسئولین سازمان که بیش از ۲ سال است در اوین ، به طور غیر قانونی در بازداشت به سر می برند ، برای کسب اطلاعات زیر شدید ترین شکنجه های جسمی و روحی قرار دارند . "

در واقع ، مقدمات سرکوب سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از مدت ها پیش تسد ارك دیده شده است . سردمداران ج ۱۰ ، به ویژه پس از سرکوب حزب توده ایران و گام نهادن در راه احیای وابستگی به امپریالیسم و پیش گرفتن راه رشد سرمایه داری و دفاع جانانه " سازمان از حزب توده ایران و توده های در بند ، یورش به " سازمان " را آغاز کردند . رفیق فرخ نگهدار در این رابطه می گوید :

" امپریالیسم ، ضد انقلاب ، همه مرتجعین ایران و جهان و حاکمیت راستگرای ج ۱۰ بیش

از هر زمان نیاز داشتند که سازمان در مقابل کوبیدن حزب توده ایران سکوت اختیار کند و به این ترتیب ، به منزله عاملین این سرکوب دوخیمانه در گمراه کردن مردم در تشخیص اوضاع مساعدت کنند . در اینجا باید یک بار دیگر با صراحت تمام اعلام کنم اگر تیغ حکومت ، تمام پیکر سازمان را نشانه بگیرد ، ما کمونیستها فقط حقیقت را به مردم خواهیم گفت و جز آن نخواهیم گفت . هیچ چیز قادر نیست ما را حتی یک سر شوزن هم از مواضع خود و از تحکیم بازم بیشتر پیوند برادرانه با رفقای توده های بازدارد . حزب توده ایران صرفاً به دلیل وفاداریش به انقلاب سرکوب می شود و سرکوب حزب توده ایران ، سرکوب حق و عدالت ، سرکوب شرف انسانی و همه آن چیزهایی است که ما برای آن بها خواسته ایم . "

رفیق فرخ نگهدار هم چنین تأکید می کند : " سیاستگزاران ج ۱۰ از ما می خواهند که در برابر جنایات و خیانت هایی که علیه انقلاب و مردم صورت می گیرد ، سکوت کنیم و در سنگر هایمان در حالی که پرچم سفید افراشته ایم ، تیر باران شویم . فدائیان خلق به چنین ننگی تن نخواهند داد . ۰۰۰ هزار بار تن نخواهند داد ! "

پیامهای شادباش بمناسبت برگزاری هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت برگزاری هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران که چندی پیش برگزار شد پیام های شادباش از سوی سازمانهای هوادار ، حزب توده ایران خطاب به کمیته مرکزی حزب توده ایران به " راه توده " رسیده است که ما به دلیل کمبود جا و تراکم مطالب ، به برخی از آنها اشاره می کنیم :

● هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در هندوستان ، طی تلگرامی که به " راه توده " رسیده است از برگزاری هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران ابراز خوشنودی کرده و آن را به همه توده های ما تسهیت گفته اند .

● هواداران حزب توده ایران در کانادا نیز پیامی بدین مناسبت ارسال داشته اند . هواداران حزب توده ایران در کانادا در پیام خسود برگزاری هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب را " میثاق جدیدی با ۴۲ سال خروش پرفروغ طبقه کارگر ایران " خوانده و از جانب خود ضمن تبریک برگزاری این پلنوم " پیغام بسته اند که تا آخرین نفس در راه تحقق اهداف و برنامه های حزبشان کوشا باشند . "

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

موج پشتیبانی نیروهای دمکراتیک و مترقی سراسر جهان از حزب توده ایران و توده‌ایهای در بند همچنان ادامه دارد!

بقیه از صفحه ۱۰

پشتیبانی و همبستگی خود را اعلام کرده بودند، در این مرحله ابعاد گسترده‌تری به خود گرفتند. تمامی این سازمانها، برپائی چنین "دادگاه" های فرمایشی را محکوم کردند و متوقف ساختن آنها را خواستار شدند. نمایندگان خود را برای حضور در دادگاه و بررسی وضع زندانیان نزدیک و نحوه گرفتن "اقرار" به سفارت - خانه‌ها معرفی کردند و بدیهی است که هیچ پاسخ مثبتی دریافت نداشتند. سردمداران ج ۱۰ با پی گرفتن این گونه روش‌های غیر مسئولانه و ضد بشری و سرکوبگرانه و لجن پراکنی علیه حزب توده ایران و مدافعان استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی تنها و تنها حکم محکومیت خود، مهر تأیید می‌کنند.

آلمان فدرال

جنبش دانشجویان مسیحی (اوانگلیست) دانشگاه فرانکفورت در آلمان فدرال، یکی از نهاد های معتبر مذهبی، در تاریخ ۲۲ دسامبر (۱ دی ماه) تلگرامی به رئیس جمهوری اسلامی ایران مخابره و طی آن به محاکمه افسران آزادی خواه و توده‌ایها، در دادگاه‌های در - بسته نظامی اعتراض نموده است.

نهاد مذکور، خواسته است که محاکمات به صورت علنی و با شرکت ناظران بین‌المللی انجام پذیرد.

● بنا به دعوت "کمیته خلع سلاح و همکاری" روز هشتم دسامبر گذشته (۱۷ آذر)، جلسه مشترکی از اعضای کمیته و رفقای حزب توده ایران در شهر آخن تشکیل شد که طی آن، مواضع حزب ما پیرامون مسئله صلح جهانی و جنگ ایران و عراق بررسی و همچنین در مورد رویدادهای اخیر کشور، سرکوب حزب توده ایران و رفتار وحشیانه مأمورین حکومتی ج ۱۰ با اعضای حزب و سایر مبارزین مترقی و برپائی دادگاه‌های نظامی بحث و گفتگو به عمل آمد.

در پایان، شرکت کنندگان، این اعمال را محکوم کردند و برگزاری محاکمات در دادگاه‌های علنی، با شرکت ناظران بین‌المللی و آزادی کلیه اعضای در بند حزب و سایر دمکراتهای زندانی را خواستار گردیدند.

● شعبه "اتحادیه ضد فاشیستها و کسانی که تحت پیگرد نازیها قرار داشتند" در آخن و

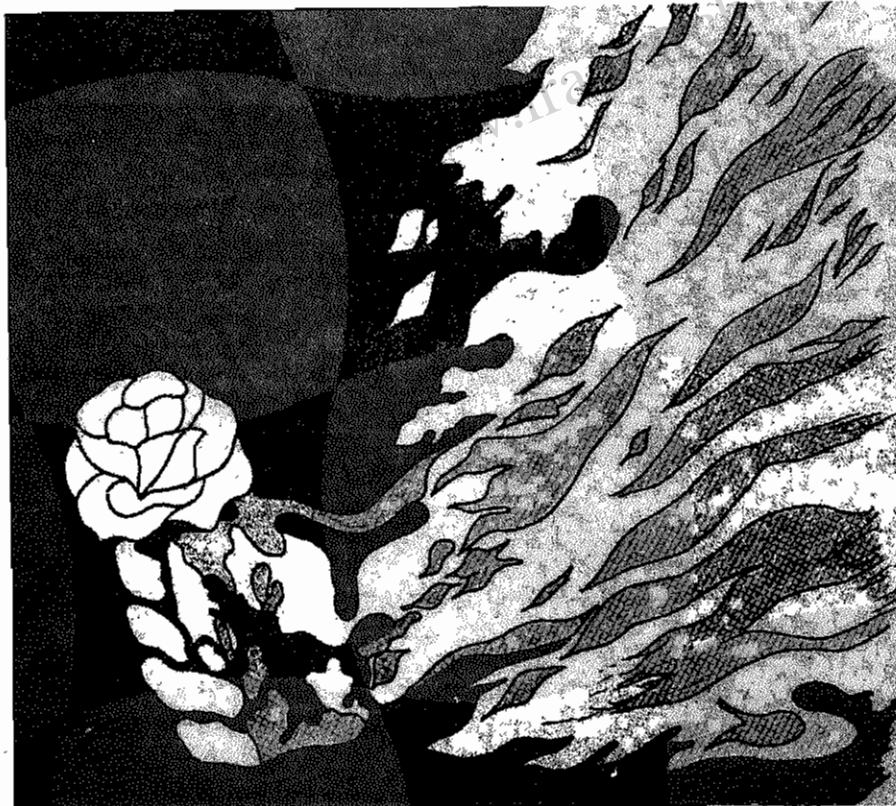
برمن طی انتشار بیانیه‌های توضیحی و مطبوعاتی، به شرح آنچه که امروز در ایران بر سر نیروهای مترقی ضد امپریالیست و به ویژه کمونیستها می - آورند پرداخته‌اند و پیگرد، بازداشت و شکنجه مبارزین و محاکمه فعالین حزب توده ایران را در بیدادگاههای نظامی، به شدت محکوم نموده‌اند. در بیانیه "اتحادیه" در آخن، از جمله به ایسن مطلب اشاره شده است، که هنگام به قصد رفت رسیدن نازیها در آلمان نیز کمونیستها در صف مقدم قربانیان ترور آنان قرار داشتند و آنسروز دیدیم که فاشیسم و ارتجاع، با سرکوب کمونیستها، در واقع به نابودی کلیه نیروهای مترقی - خواه و از میان بردن آزادی و دمکراسی در کشور، کمر بسته بودند و عین این وقایع در ایران امروز تکرار می‌شود. رژیم دیکتاتوری حاکم بر کشور، با کشتادن اعضای حزب توده ایران به قربانگاه، عملاً هر گونه ندای حق طلبی و آزادی - خواهی را در گلو مردم خفه کرده است. بنابراین این نگوئیم که قربانی فقط کمونیست ها بود ندیمه این مطلب بینهدیشیم و بدانیم که پس از

کمونیستها نوبت سلاخی کلیه آزادی خواهان خواهد رسید. سپس توطئه شوم علیه توده‌ایها و سایر دمکراتها در رابطه با سیاست حاکمیت ایران، مبنی بر گسترش روابط با دول امپریالیستی و از جمله آلمان فدرال بررسی گردیده است.

در بیانیه، عکسی نیز از رفیق شهید حسین پور تبریزی، به چاپ رسیده و طی فراخوانی از کلیه نیروهای مترقی در آلمان خواسته شده است، با استفاده از کلیه امکانات، به مقابله با خطری که جان اعضای حزب توده ایران و سایر مبارزین زندانی را تهدید می‌کند، برخیزند و جلوی ادامه دادگاه‌های فرمایشی نظامی را علیه متهمین که گناهی جز مبارزه در راه استقلال میهن و برقراری عدالت اجتماعی ندارند بگیرند.

● "کمیته همبستگی ضد امپریالیستی" در اشتوتگارت، ضمن مخابره تلگرامی به رئیس جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ ۱۹ نوامبر (۲۸ آذر) نسبت به برگزاری دادگاه‌های

بقیه در صفحه ۱۱



با گسترش موج همبستگی بین‌المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

سیاست شوروی ستیزی محکوم به شکست است!

در قطعنامه " هجد همین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران گفته می شود :

" ما معتقدیم که متحدان طبیعی خلقهای مهین ما عبارتند از : در درجه اول اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی . امپریالیسم در تلاش خود برای صدور ضد انقلاب همیشه کوشیده و می کوشد که جنبش های رهائی بخش رازد وستلن جهانی خود جدا ساخته و بدین سان زمینه را برای تحکیم مواضع داخلی عمال امپریالیسم و نیروهای واپسگرا فراهم سازد . هم اکنون ما شاهد این روند در میهن خود هستیم . تجربه تاریخی موید آن است که هر جا امپریالیسم موفق به تحقق این سیاست گردیده ، جنبش انقلابی در آن کشور سرکوب و سلطه امپریالیسم حاکم شده است . پلنوم سیاست سران ج ۱۰ را برای احیای مواضع امپریالیسم در کشور ، زیر پوشش شعار به اصطلاح نه شرقی ، نه غربی که عملاً به سیاست نه شرقی ، فقط عربی تبدیل شده و نیز اوج هیستری ضد شوروی را سیاستی عمیقاً ضد ملی و مغایر مصالح عالیله خلت های مهین ها می داند (ویژه نامه " راه توده " ص ۶)

این ارزیابی پلنوم ، که با زتاب نتایج چرخش هیئت حاکمه ج ۱۰ به راست است ، با آنچه در میهن ما می گذرد ارتباط مستقیم دارد . ما دادگاه های فرمایشی ج ۱۰ را که در آنها حزب توده ایران به محاکمه کشانده شده است و اتهامات سراپا دروغ و بی پایه سرهم بندی شده توسط عمال رد دست نشانگان امپریالیسم ، که از آنها برای دامن زدن به تبلیغات علیه اتحاد شوروی بهره گیری می شود ، وسیله ای است برای جدا ساختن ایران از متحد بالقوه و طبیعی آن و مالا آوردن ضربه قطعی بر نهضت انقلابی مردم میهن ما .

همه آتانی که کم و بیش رویداد های بین المللی و فعالیت مذ بوخانه دولت ایالات متحده و شخص ریگان را در عرصه بین المللی علیه اتحاد شوروی و مجموعه سیستم جهانی سوسیالیسم و نیز نهضت های رهائی بخش ملی در سراسر جهان تعقیب می کنند به سهولت می توانند به آنچه در پشت پرده می گذرد پی ببرند . واقعیت این است که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ، یک بار دیگر شانتاژ خطر کمونیزم و خطر شوروی را که حربه عمده در مبارزه سیاسی و تبلیغاتی علیه جنبش های رهائی بخش ملی است ، در مبارزه با انقلاب شکوهمند مردم ما به کار گرفته است و سران ج ۱۰ نیز برای جلب حسن نظر امپریالیسم در برابر آن تسلیم شده اند و با صراحت تمام به ایمن تسلیم طلبی اعتراف می کنند .

رسانه های گروهی رژیم ، نباشته از چنین اعترافات است ، که نقاب از چهره گردانندگان کارزار تبلیغاتی علیه اتحاد شوروی بر می دارد و

هدف اساسی سران مرتجع ج ۱۰ را ارتعقیب این سیاست عمیقاً ضد مردمی فاش می سازد .

۲۹ تیرماه سال جاری روزنامه اطلاعات در مقاله ای پیرامون به اصطلاح دستاورد های انقلاب اسلامی ، ضمن پاسخ به امپریالیسم و عمال محلی آن ، در باره آنچه آنها گرایش ج ۱۰ به اتحاد شوروی می نامند ، مسائلی مطرح کرده است که یادآوری آن برای درک سیاست رژیم ضرورت دارد . نویسنده مقاله برای تیره رژیم در مقابل امپریالیسم و جلب " الطاف " آن دو دلیل ارائه می کند : نخستین دلیل ، قطع فروش گاز به اتحاد شوروی بود که هدف آن چیزی جز تحدید هر چه بیشتر مناسبات اقتصادی ایران و گسترش مناسبات بازرگانی با نل امپریالیستی نبوده و نیست . دلیل دوم که نویسنده اطلاعات در توجیه تبعیت از امیال امپریالیسم جها نخوار آمریکا عرضه می کند ، ماهیت سیاست ضد مردمی رژیم را عریان تر در معرض قضاوت توده های زحمتکش قرار می دهد ؛ وی می نویسد :

غربی ها قطع فروش گاز به شوروی و دهها نمونه دیگر مواضع قاطع ایران را نادیده گرفتند و مسئله آزادی فعالیت سیاسی حزب توده ایران را مطرح ساختند . آیا سران ج ۱۰ در مقابل این خواست امپریالیسم از خود استقلال رأی نشان دادند ؟ حاشا و کلا ! حکام ارتجاعی در این مورد نیز به نزاع امپریالیسم پاسخ مثبت دادند . اطلاعات نوشت :

" درست در اوج این جنجال ها بود که ناگهان مردم دنیا دیدند که تمامی خبرگزاری های جهان مخابره کرده اند که سران حزب توده ایران بازداشت شدند ."

چنانکه ملاحظه می شود ضربه به حزب توده ایران در ارتباط ناگستنی با تیرگی هر چه بیشتر مناسبات ایران و اتحاد شوروی برای برآوردن این خواست عمده امپریالیسم آمریکا بود . پنج ماه از انتشار مقاله نامبرده در فوق می گذرد ، پنج ماهی که ارتجاع داخلی تبلیغات افسار گسیخته ای را علیه همسایه دیوار به دیوار ما به راه انداخته است . ولی نه امپریالیسم و نه ارتجاع داخلی در خدمت آن هنوز راضی نیستند و پرچم سیاه افشا شده " خطر کمونیزم " و " خطر شوروی " را همچنان افراشته نگاه داشته اند . در پنج ماه بعد یعنی ۳۰ آذرماه باز همان روزنامه اطلاعات ، این بار از زبان یکی از نمایندگان مجلس می نویسد :

" فریاد بر می آورد که کشور یکپارچه سوسیالیستی شده است . . . عجیب این جاست که این اتهامات در زمانی زده می شود که بر خلاف زمان شاه ما جلوی صدور گاز به شوروی را گرفته و وارداتمان از این کشور خیلی کمتر از زمان شاه (شده است) . در مجموع مبادلات بازرگانی ما با بلوک شرق قابل ملاحظه

با سایر کشورهای جهان نیست و از نظر فکری و سیاسی نیز امروز حزب توده به عنوان سبعل این جریان ۰۰۰ در زندانهای ج ۱۰ ، آخرین روزهای حیات سیاسی خود را پشت سر می گذارد ."

آنچه بسیار جالب است تشابه استدلال نمایندده مجلس با مقاله یاد شده روزنامه اطلاعات است : نه آقایان ! هیچ نیروئی در جهان قادر نخواهد بود ، حزب توده ایران را که از اعناق جامعه برخوردار است از صحنه سیاسی خارج کند . مگر نه این بود که شاه مخلوع هم این خیال خام را در مخیله خود می پروراند ؟ شاه رفت ولی حزب توده ایران نیرومند تر از پیش گام در عرصه نبرد علیه امپریالیسم و عمال آن گذارد . امروز هم حزب توده ایران با تشکیل موقیبت - آمیز پلنوم هجد هم خود با اراده خلل ناپذیر در راه آرمانهای مردمی انقلاب به نبرد نابرابر ادامه می دهد و سیاست ضد ملی و ضد مردمی سران ارتجاعی ج ۱۰ را فاش می سازد . اظهارات نمایندده مجلس که ما از آنها یاد کردیم نمونه بارز این سیاست ضد مردمی است .

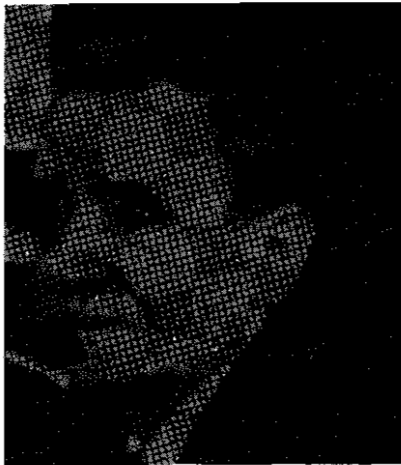
شوروی ستیزی به سود چه کسانی است ؟

از قطع فروش گاز به شوروی کدام طرف متضرر گردید ؟ منظور ما آن گازی است که تا امروز همراه نفت از جاه ها خارج می شود و سوزانده و تبدیل به دود می گردد . از فوریه ۱۹۸۰ که صدور گاز به شوروی قطع گردیده ، در میهن ما بیش از ۵۰ میلیارد متر مکعب گاز به ارزش بیش از ۴/۵ میلیارد دلار را که می باید فروخته شود ، سوزانده شده است این روند در آتیسه نیز ادامه خواهد داشت . طبق نوشته اطلاعات با تولید نفت خام در فلات قاره ، گازهای حاصله که در دوره ۱۳۶۲ - ۱۳۶۶ به حداکثر خواهد رسید ، کماکان سوزانده خواهد شد . (اطلاعات ۴ دی ماه ۶۲)

همه می دانند که یکی از حربه های ریگان در جنگ صلیبی علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ، تحدید مناسبات اقتصادی و بازرگانی است . وقتی آقای نمایندده مجلس می گوید ، ج ۱۰ واردات خود را از شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی کاهش داده ، مخاطبش کیست ؟ آیا این همسایگی سیاست سران ج ۱۰ با امپریالیسم آمریکا را باید تصادفی دانست ؟ نه ! اعمال سران رژیم حساب شده و قانونمند است .

در گزارشی که اخیراً انتشار یافت ، گفته می شود ، سهم اتحاد شوروی در ارزش کل واردات ایران از ۷/۵ درصد در سال ۵۹ به ۱/۴ درصد در سال ۶۰ کاهش یافت . در همان فاصله سهم آلمان غربی از ۱۵ درصد به ۱۶/۶ درصد بقیه در صفحه ۱۴

آندری گرومیکو: "آمریکا باید ارتش خود را از گرنادا خارج کند"



خلقی جلا، را سرها نگاه داشته است .
اکنون بزرگترین خطر برای صلح جهانی ،
سیاست خارجی تجاوزگرانه ایالات متحده ،
آمریکاست . متنی نظامی‌گری در امور جهانی ،
حاصل سیاست داخلی آنهاست که در آنجا
مسابقه تسلیحاتی برای تجار اسلحه ، پر سود -
ترین معامله است .

نظری به نتایج سی و هشتمین اجلاس
سازمان ملل متحد بیکنیم که اخیراً به پایان
رسید : در آنجا دو برخورد متفاوت نسبت به
مسائل حاد بین‌المللی وجود داشت اکثریت
کشورهای عضو سازمان ملل متحد از قاره‌های
گوناگون و دارای نظام سیاسی - اجتماعی
مختلف در یک قطعنامه جنگ هسته‌ای را به
مثابه جنایتی علیه جامعه بشری محکوم کردند ،
تنها ایالات متحده آمریکا در مقابل جهانیان
قرار گرفت و علیه آن رأی داد .

پیشنهاد دیگر مربوط به منع کسردن
تسلیحات هسته‌ای و کوشش برای کاستن
و محدود کردن هرچه سریع‌تر آن بود . این
پیشنهاد هم مورد قبول اکثریت قاطع دولت‌های
عضو قرار گرفت . ایالات متحده آمریکا ، باز هم
" نه " گفت و در انزوای کامل قرار گرفت .
ما خشوندم که ابتکار اتحاد شوروی ، هسته
اصلی قطعنامه مبنی بر لزوم اتخاذ تدابیر مؤثر
برای جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضای
کیهانی را تشکیل داد . ایالات متحده آمریکا
آنجا هم رأی مخالف داد . گرچه اکنون فقط کور
ها نمی‌توانند ببینند که چه خطری بشریت را از
فضای کیهانی ، اگر نظامی‌گری به آنجا کشیده
شود ، تهدید می‌دند .

آری ، برای اثبات صلح طلبی ، عمل مشخص
لازم است و نه سخن پررانی‌هایی که این روزها
به خصوص واشنگتن به آن متوسل می‌شود . چرخش
در ماهیت این سیاست لازم است ، از سیاست
نظامی‌گری و تجاوز به سیاست صلح و همکاری بین
المللی .

واضح است کسی که راه تدارک جنگ را در
پیش گرفته ، خواهان توافق در باره محدود کردن
تسلیحات نیست . درست به همین جهت
واشنگتن قرار داد سالت - ۲ را که آمریکا قبلاً
امضا کرده بود به دور انداخت و به همین علت
از انجام گفتگو بر پایه یگانه اصل عا دلانه ، برابری
و امنیت یکسان امتناع می‌ورزد و قرارداد های
قبل را هم زیر پا می‌گذارد .

اتحاد شوروی هوادار قاطع حل مسائل بین -
المللی در پشت میز مذاکره بوده و خواهد بود .
این مشی اصولی ما در امور بین‌المللی است . املاً
ما طرفدار مذاکرات جدی هستیم و نه آن گونه
گفتگوهای که به عنوان پرده ساتر برای تحقق
نقشه های نظامی‌گرانه مورد سوء استفاده قرار
گیرد . ما در گذشته نه یکبار بلکه بارها ، یاد آور
شدیم که استقرار موشک های پرشینگ و بالذارد
اروپای غربی پایه مذاکرات را تخریب و ادامه
آنها را غیر ممکن می‌کند . واشنگتن ارسال موشک
ها را به اروپا آغاز و ادامه گفتگوها را بی‌موضوع
کرد .

میلیتاریسم ، همیشه در هم‌جناح ضد انسانی
است . تظاهر بارز این امر ، اکنون در لبنان
به روشنی دیده می‌شود ؛ لبنان را به محبتی
واقعی ، قطعه قطعه کرده اند . اینک این کشور
را چکمه‌های سربازان دولتهائی پایمال می‌کنند
که برخی از آنها در همین سالن حضور دارند .
نیروهای دریائی آمریکا شهرهای لبنان را گلوله
باران می‌نمایند .

ماشین جنگی آمریکا در لبنان بذر مرگ و
ویرانی می‌پاشد . متجاوزانی که به سرزمین دیگران
رفته است تا با زور اسلحه ، نظم مورد نظر خود را
تحمل کند ، قیافه رنجیده به خود گرفته و فریاد
می‌کشد " به ما حمله می‌کنند ، ما مجبوریم از خود
دفاع کنیم " . در مقابل که از خود دفاع می‌کنید ؟
در برابر کسی که قربانی تجاوز شده است ؟ در
مقابل کسی که خود به او حمله کرده اید ؟ به
زحمت می‌توان پذیرفت در این گونه بازی بسا
واقعیات ، تفکر سالم و ابتدائی ترین مفاهیم
حقوق بین‌المللی راه دارد .

مگر يك انسان شرافتمند می‌تواند نسبت به
آنچه که بر گرنادا گذشت بی‌تفاوت بماند ؟ علی
را هزارانه و تروریستی از سوی يك کشور بزرگ علیه
خلق گرنادا . ایالات متحده آمریکا باید ارتش
خود را از گرنادا خارج کند . آنان در آنجا
کاری ندارند .

اینک دیگر بر کسی پوشیده نیست که چه
کسی دسته‌های مزدور تروریست را علیه نیکارگونه
تجهیز می‌کند ، چه
کسی هند وراس را به پایگاه نظامی خود بدل
می‌سازد و چه کسی در السالوادریک رژیم ضد

روز هجدهم ژانویه ، در کنفرانسی کسه در
استکهلم پایتخت سوئد ، با شرکت کشورهای اروپائی
و ایالات متحده و کانادا ، به منظور اتخاذ تدابیری
در جهت تحکیم و اعتماد و امنیت و همچنین خلیج
سلاح در اروپا آغاز به کار کرد ، آندری گرومیکو ،
رئیس هیئت نمایندگی اتحاد شوروی مواضع کشور
خود را در این زمینه روشن ساخت . او گفت :
یکی از وظایف حاد کنونی ، تحکیم اعتماد
میان کشورها ، هم در زمینه سیاسی و هم در زمینه
نظامی است . این امر به ویژه در شرایط وخیم
کنونی اوضاع بین‌المللی اهمیت دارد . با آغاز
استقرار موشک های تازه آمریکائی در چند کشور
اروپای غربی ، نه امنیت بین‌المللی تحکیم شد و نه
امنیت کشورهایی که خطر استقرار این موشک را
تقبل کردند . برعکس ، برخلاف آنچه که برخی رجال
غربی که سیاست خود را بر پایه فریب خلق ها قرار
داد هاند تأکید می‌کنند ، استقرار این موشک ها ،
امنیت را متزلزل می‌سازد و به همراه خود نظامی -
گری ، دشمنی و روحیه جنگ طلبی را از آمریکا به
اروپا صادر نماید .

تنها در صورتی می‌توان جلوی این لغزش
خطرناک ، به سوی پرتگاه را گرفت که دولت های
شرکت کننده در این مجمع ، برخوردی مسئولانه
در پیش گیرند . ما تکرار می‌کنیم - اگر ایالات
متحده آمریکا و دیگر کشورهای ناتو اظهار
آمادگی کنند که به وضع پیش از استقرار موشک
های جدید آمریکائی در اروپا بازگردند ، آنگاه
اتحاد شوروی نیز آماده خواهد بود این کسار را
انجام دهد .

گفتگوهای دو کشور پیرامون محدود کردن
جنگ افزارهای هسته‌ای در اروپا به گناه دولت
آمریکا قطع شد . این دولت به جای مذاکره
و گرایش به توافق ، راه تخییر تناسب نیروها به
سود خویش را در پیش گرفته است . دولت آمریکا
این هدف را در برابر خود قرار داده که با
افزایش بی‌بند و بار تسلیحات هسته‌ای ، برتری
نظامی آمریکا علیه اتحاد شوروی ، برتری نظامی
کشورهای ناتو علیه کشورهای قرارداد ورشو را
تأمین نماید . این امر به زعم برنامه ریزان آمریکائی
باید به پیروزی يك جنگ هسته‌ای منجر شود .
همین دیروز بود که رهبران آمریکا ام از نظامی
و غیر نظامی با وقاحت در این زمینه استدلال
می‌کردند .

بودجه نظامی آمریکا با آهنگ غیر قابل
تصورى رشد می‌کند ، با تب و تابی بیمارگونه
مشغول ساختن موشک ، بمب افکن و ناوهای
هواپیما بر تازه هستند . وسایل جدید امحاء
جمعی مورد آزمایش قرار می‌گیرد .
خلاصه این که دولت کنونی آمریکا دولتی
است که با معیارهای جنگی می‌اندیشد و به همین
ترتیب هم عمل می‌کند .

رفسنجانی:

«سلاحهای آمریکایی وانگلیسی از نان شب برای ما واجب تر است»

بقیه از صفحه ۱
فونیکس، از ناوشکن های اسفروئز تا زیر دریایی ها و موشک های دریا به دریای " هارین " و موشک های " هاوک "، برای ملت ایران ۰۰۰ بسیار اهمیت داشته "، برخی از آنها را " خلبانهای ما می دانند چقدر با ارزش " بوده اند . برخی دیگر " فوق العاده برای ما اهمیت دارند " ، و سرانجام این سلاح ها از " نان شب برای این ملت لازم تر بوده است " !

رژیم شاه سه قرار داد خرید اسلحه نیز با انگلستان بسته بود که آنها نیز از تانکهای " چیفتن " (شیر) تا تانک برهسا و موشک های " راپیر " ، سخت مورد نیاز ما بود " و " چیست " ، چرا که " این نیرو اگر در دست امت حزب الله باشد، بر منطقه حکومت نیرومندی خواهد داشت " .

" بختیار " ، در آخرین روزهای سقوط خویش " این قرارداد ها را لغو کرد ما ست . و با این عمل " خیانت بسیار عظیمی را انجام داده است " (!) ؟

" ما " (یعنی رژیم شاه !) نزدیک به ۱ میلیارد دلار از ۲۰ میلیارد دلار بهای سلاح های آمریکایی و کمتر از یک میلیارد دلار ... از ۲ میلیارد دلار سلاح های انگلیسی را پرداخته ایم، و در حال حاضر این امکان را داریم که این سلاح ها را - با مراجعه به دادگاه های بین - العلی (و البته با پرداخت بقیه بدی خویش و پرداخت تفاوت بهای مربوط به افزایش قیمت) از آمریکا و انگلستان به زور (!) تحویل بگیریم . (اطلاعات ۲۴ دی ۶۲)

سیاستهای رژیم ستمشاهی در بسته بندی " شرعی "

واقعیات هولناک و خشم انگیزی که از خلال این سخن رخ می نماید، به روشنی ماهیت سیاست ضد انقلابی ارتجاع حاکم برج ۰۱۰ را افشا می کند .

نخست، آقای هاشمی طی خطبه ای طولانی

در توصیف معجزات سلاح های آمریکایی و انگلیسی ، به این نتیجه می رسد که این سلاح ها در دست امت حزب الله - به عبارت صریح تر پشتیبانی - امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از ج ۰۱۰ - برای سیطره نیرومند ج ۰۱۰ بر منطقه ، از نان شب برای مردم ایران واجب تر است .

ناگفته پیداست که این عصاره شوونیسم و ناسیونالیسم ارتجاعی ، چیزی جز اغاضات

آریا مهری در باره " احیای عظمت ایران باستان به حمایت امپریالیسم آمریکا نیست که با عوام فریبی بی پرده در بسته بندی " شرعی " و " اسلامی " ارائه می شود . شوونیسمی که روزگاری سرمست از توهمت بیمارگونه ، شعار می داد که : " ما مسلح به الله و اکبریم " ، و " خون بر شمشیر پیروز است " و اینک در مانده در بن بست جنگی بیهوده ، آرزوی مسلح شدن به آواکس و فونیکس را دارد .

دوم، آقای هاشمی ادعا می کند که دولت بختیار با لغو این قرار داد ها " خیانت عظیمی " مرتکب شده است ، تا از بیان صریح تر این نتیجه گیری انزجار آفرین که عقد دوباره آن ها " خدمت عظیمی " محسوب می شود، طفره رود .

اما مردم ما هشیار تر از آنند که با چنین شعبده بازی های ناشیانه ای فریفته شوند . مردم ما فراموش نکردند که در واقع بسیاری از زنجیر های اسارت قرارداد های نظامی و تسلیحاتی با آمریکا ، نه در زمان بختیار ، بلکه در جریان مخالفت دم افزون با دولت موقت، روی موج فشار نیرومندی های ، به وسیله شورای انقلاب که آقای رفسنجانی نیز از اعضای آن بود، لغو شد . در آن زمان دکتر یزدی ، وزیر خارجه دولت موقت که کاملاً مورد پسند دولت آمریکا بود ، در



پاسخ به اعتراض افشاگرانه حزب توده ایران ، عدم لغو بقیه قرارداد های نظامی ایران با آمریکا می گفت :

" قرارداد های نظامی را به خاطر اهمیت که دارند، نمی توان بدون مطالعه و یکجانبه لغو کرد " . او نیز شاپور بختیار را به خاطر لغو بخشی از قرارداد های نظامی ایران با آمریکا که قبل از سقوطش انجام داد (با مداد ۱۹ مه ۵۸ - به نقل از نامه مردم شماره ۶۵) سرزنش می کرد .

آن روزها دکتر یزدی در بحبوحه زد بند با امپریالیسم آمریکا ، بختیار را به خاطر لغو قرارداد های نظامی زیر فشار افکار عمومی ، خاضع اعلام می کرد ، و امروز آقای رفسنجانی - آن روزها آقای رفسنجانی ، انعقاد این قرار داد ها را " خیانت " می نامید ، و امروز انعقاد دوباره آنها را " خدمت " می خواند . در این فاصله چه چیز تغییر کرده است ؟ امپریالیسم آمریکا ، همان " شیطان بزرگ " درنده و اسارت گر است که بود . مردم زحمتکش ما نیز همان مردمی هستند که فریاد تند آسای " مرگ بر آمریکا " ی آنها ، هنوز در آسمان میمن انقلابی طنین افکن است . آیا جز اینست که این تنها رفسنجانی ها هستند که اینک از گناه چشم زخم ، منافع شیطان بزرگ در کشور ما ، از پیشگاه ارتجاع جهانی پوزش می طلبند ؟

سوم ، آقای رفسنجانی بیهوده می گوید با این ادعا که قصد آن دارد حقیقاً دست رفته مردم را " در دادگاه های بین العلی " به زور از آمریکا و انگلستان باز پس گیرد ، تلاش فاجذانه رهبران ج ۰۱۰ برای جلب پشتیبانی بیشتر امپریالیسم جهانی از آنان و فروش سلاح های استراتژیک بنا ج ۰۱۰ را که به بهای سنگین خیانت به آرمانهای مردم و انقلاب و همسانی و همکاری هرچه بیشتر با سیاست های هارترین جناح ارتجاع امپریا - لیستی تمام شده است ، به عنوان نوعی " مبارزه ضد امپریالیستی " به مردم ما قالب کند .

ناگفته پیداست احیاء قرارداد های خسرید اسلحه از امپریالیسم با بازگشت مستشاران

نظامی آن و احیاء قانون کاپیتولاسیون همراه خواهد شد و این را آقای رفسنجانی بهتر از هر کسی می داند !

این ترغیب شناخته شده های است که در جریان بازگشت انقلاب ، رهبران گریخته از خلق ، از هراس خشم مردم ناگزیرند تسلیم ننگین به امپریالیسم را نیز " مبارزه ضد امپریالیستی " بخوانند و گله گزاری لجبوانه از امپریالیسم را نیز در لوی پر خاشاگری عوام فریبانه پنهان کنند :

" از موازین دیپلماسی دنیا به دور است که بقیه در صفحه ۷

رفسنجانی: «سلاحهای آمریکایی و...»

بقیه از صفحه ۶

آمریکای مدعی بی طرفی (!؟) اعلام کند که ناوگانش را در اختیار عراق قرار می دهد. عراق همان کنسروی است که شعارهای چپ گرایانه هم زیاد می داد. ۰۰۰ آمریکا می داند که اکثریت سلاحه عراق هنوز هم متعلق به شوروی است. و هنوز کارشناسان عراق روسی هستند، و ارتش عراق يك ارتش چپ است " (هاشمی - رفسنجانی - سخنرانی در دیدار با وزیر و کارکنان آموزش و پرورش - اطلاعات - ۲۴ دی ۶۲). آیا صریح تر از این می توان از آمریکایی بیطرف (!؟) درخواست کرد پشتیبانی نظامی خود را از ج ۰۱۰، که اکثریت اسلحه اش هنوز آمریکایی است، ارتشش هم چپ نیست و اصیل ترین نیروهای چپ را هم با داغ و درفش و جیب و اعدادم کیفر می دهد، سرمایه گذاری کند؟ جلوه دیگری از این ترفند کهنه آنست که آقای هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه هفته بعد در حالی که خلاصه ای از سخنان هفته قبل

را تکرار می کند و به این نتیجه صریح هم می رسد که: "علیرغم پیشرفت هایی که در زمینه خود - کفایی تسلیحاتی به دست آوردیم، با این حال به تأمین سلاح از خارج نیازمندیم و باید خود را قوی نگه داریم". و در عین حال ادعا می کند:

"اولی تن به قرارداد های اسارت بار زمان شاه نمی دهیم" (راد یو ایران - ۳۰ دی ۶۲). حال آنکه خود هفته پیش لغو همین قرارداد های اسارت بار را "خیانت" خوانده است و به طور تلویحی عقد دوباره آنها را خواستار شده است.

اوج گیری بحران وزیاده خواهی امپریالیسم و سراسیمگی رهبران ج.ا.

دلیل شتابزدگی رهبران ج.ا. در علنی

کردن مناسبات پنهان با امپریالیسم و سراسیمگی آنان در آماده کردن افکار عمومی برای عقسد قرارداد های تسلیحاتی و نظامی بنا بر امپریالیسم را باید در تشدید بحران داخلی ج ۰۱۰ و زیاده خواهی دم افزون امپریالیسم آمریکا جست.

بن بست جنگ توسعه طلبانه با عراق و تشدید بحران اجتماعی - اقتصادی و سیاسی در همین ما، رهبران ج ۰۱۰ را به سوی تشدید تلاشهای ارتجاعی می راند. آنان که مدت ها است سرنوشته خود را با پیروزی دست نیافتنی در جنگ توسعه طلبانه پیوند زد هاند بیش از پیش به این نتیجه می رسند که برای کسب این پیروزی، در ادامه نسو - سازی وابستگی اقتصادی، احیای کامل وابستگی تسلیحاتی و نظامی به امپریالیسم جهانی، برای جلب پشتیبانی امپریالیسم ضروری است. هفته گذشته اعلام شد که به ابتکار ج ۰۱۰ پیمان عمران منطقه ای ایران، پاکستان و ترکیه

(پوشش اقتصادی و فرهنگی پیمان سنتو) احیاء شده است، و نخستین دبیر آن، نماینده ترکیه، کشور عضو پیمان ناتو خواهد بود. (آسوشیتد پرس - ۱ بهمن ۶۲)

از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا که دست است ارتجاع ایران را خوانده است با موضع گیری اخیر در حمایت از رژیم عراق، تصمیم به برقراری روابط دیپلماتیک با عراق و تضمین نظامی جلوگیری از شکست عراق در جنگ با ایران (واشنگتن پست - ۱ ژانویه ۶۲) نشان داد که رهبران ج ۰۱۰ برای کسب حمایت آمریکا می بایست بهای سنگین تری، از آنچه تا کنون پرداخته اند، بپردازند.

مخالف آمریکا، موضع گیری اخیرا را به معنای "تخیری در سیاست آمریکا" ارزیابی می کنند. این خود به این معناست که طی ماه های گذشته، آمریکا که در اجرای سیاست مسخ انقلاب ایران موفق بوده است، به حمایت از ج ۰۱۰ تمایل داشته است. در همین راستا این نکته مهم قابل تأمل است که مخالف آمریکایی، با صراحت اعلام می کنند که در میان رهبران دولت ریگان، گروه نیرومندی طرفدار حمایت ایالات متحده از ایران در جنگ با عراق است (واشنگتن پست - همانجا). ایالات متحده به این ترتیب نشان می دهد در صورتی که رهبران ج ۰۱۰ امتیازات بیشتری به نمایندگان هارترین جناح انحصار ات امپریالیستی بپردازند، این امکان وجود دارد که گروه طرفدار ج ۰۱۰ در رهبری دولت آمریکا تفوق پیدا کند.

راز سراسیمگی و شتابزدگی رهبران ج ۰۱۰ در علنی کردن مناسبات خویش با امپریالیسم آمریکا، و زمینه سازی سیاسی و تبلیغاتی و عقسد قرارداد های تسلیحاتی و پیمان های نظامی با امپریالیسم آمریکا و انگلستان را در این تحولات سیاست امپریالیسم آمریکا نباید جست. این شتابزدگی در عین حال نشانه آنست که ارتجاع ایران، همم تر از پیش در تدارک چرخش هر چه کامل عبارتر در راستای استقرار در جرگه کشورهای سراپا وابسته به امپریالیسم آمریکاست.

قربانی دیگر تو حش بی حجاب

ج ۰۱۰ نه تنها به تأمین حقوق فردی و اجتماعی این گونه شخصیتها، اعتنائی ندارند، بلکه خود وسایل اذیت و آزار، شکنجه، محو قهرکی و لطعات جبران ناپذیر به مخز او، به اندام تفکر، پژوهش، و آفرینش بنوع آسای چنین شخصیت هائی، که تنها گناه آنان اینست که با نظریات و عقاید آنان سر سازگاری ندارند فراهم می آورند و با بی شرمی و بی احساس ذره ای تأثر در برابر جهانیان به جنایات خود اعتراف نیز می کنند. جای این ظن هنوز باقیست که اعلام چنین خبری در رسانه های گروهی، خبرهای شوم تری را به دنبال خواهد داشت و پراکندن آن، در چنین شرایطی، تنها با هدف زمینه سازی برای اقدامات جنون آمیز آتی این دد منشان صورت گرفته است.

ما، مردم آزاد یخواه ایران و جهان و همه کسانی که به طرق گوناگون، با این شخصیت بارز علمی، فلسفی، ادبی ۰۰۰ آشنایند، مسئولیت مستقیم چنین فاجعه، جبران ناپذیری را به عهده سردمداران ج ۰۱۰، کارگزاران و عوامل اجرایی آنان می دانیم و ایمان داریم روزی هم این انسان، کسانسی که زندگی

را در زندان خلاصه کرد هاند، کسانی که دانشگاه شان، زندان، بیمارستان شان، زندان، محل پذیرایی شان، زندان، منطق اقله شان، زندان، محل تهیه ایشان، زندان ۰۰۰ است باید در برابر تاریخ، مردم ما و همه بشریت مرقسی پاسخ گو باشند.

بقیه از صفحه ۱
اینک، بیش از ۱۰ ماه است که به فرموده امپریالیسم، عاملان فعلی ارتجاع این فیلسوف انقلابی سپید موی را به بند کشید هاند و از اعمال هیچ شکنجه روحی و جسمی ای در حق وی فرو گذار نکرد هاند. همین چندی پیش بود که دست نوشته های ۱۴ اثر منتشر نشده، ایسن شخصیت بی نیاز از توصیف را از بین بردند، در آب حل کردند و به صورت خمیر در آوردند تا از رسوخ اندیشه های علمی و فرهنگی مترقی در افکار دوستداران دانش و ادب واقعی جلو گیرند. آثار منتشر شده او نیز مدت ها است که جزو کتاب های ممنوعه اعلام شده، و از کتاب فروشی ها جمع آوری و به سرنوشته آثار چاپ شده دچار آمده است.

تضییقات و تهدیدات سردمداران ج ۰۱۰، تنها در این چار چوب محدود نمی شوه خانواده، لود هر از چندگاهی مورد هجوم قرار می گیرند؛ دستگیر و در سلول های انفرادی محبوس می شوند. ج ۰۱۰ یکسره، آرایش، آزادی، سلامت و آفرینش را از وی و خانواده اش ربوده است. حکومت های مردمی، از چنین شخصیت های علمی، فلسفی و هنری ۰۰۰ به گونه ای دیگر و در "جائی دیگر" پذیرائی می کنند. آنان برای این مفاخر علم و ادب، امکانات کافی فراهم می آورند تا از استعدادها، دانش و تجربیاتشان به سود شکوفائی علم و هنر و فرهنگ ملی و جهانی بهره گیرند. و تقدیری، در رخسورد مقاشان به آنان عرضه می دارند. اما سردمداران ضد بشر ضد دانش و ادب

تحولات طبقاتی در

راه تو - برای آشنایی بیشتر خوانندگان عزیز با تحولات طبقاتی در ایران در سلسله مقالاتی به شرح این موضوع پرداخته می‌شود.

فره‌شدن بورژوازی تجاری

بازاریان تهران و شهرهای بزرگ و کوچک ایران، از واردکنندگان بزرگ کالا به مثابه لایه‌ای از سرمایه‌داری وابسته، تا تجار متوسط و کوچک، در سال‌های پس از انقلاب و به ویژه پس از آغاز محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی و ادامه توسعه طلبانه آن، فارغ از هنسر بنشد و نظارتی، از محل استقاده وسیع ارز و اعتبار بانکی دولتی، و واسطگی آمیخته به احتکار و گرانفروشی که به سرمت به قاعده رایج تبدیل شد، با چپاول همه جانبه مردم به انباشت کلان سرمایه پرداختند. آمارهای محدودی که در دست است به خوبی نشان می‌دهد که انباشت سرمایه بورژوازی تجاری از محل ایر سود انحصاری و احتکاری و گرانفروشی در این سال‌ها، در تاریخ رشد سرمایه‌داری در ایران کم سابقه، و حتی بیسابقه بوده است.

تنها در یک سال نخست پس از انقلاب سود تجار بزرگ بیش از ۱۲۰ میلیارد تومان بود. بازاریان از این مبلغ تنها ۳/۵ میلیارد تومان (در حدود ۳٪) مالیات پرداخته بودند. (عزت‌الله سبحانی رئیس سازمان برنامه و بودجه - مرداد ۵۹ - جراید)

سیاست اقتصادی دولت‌های مختلف بعد از انقلاب، موجب آن شده است که تنها از محل بودجه دولتی، ۶۰۰ میلیارد تومان نقدینگی به کیسه بخش خصوصی واریز شود. (نماینده نجف‌آباد - آبان ۶۲ - کیهان)

این برجسته‌ترین شاخص تحولات اجتماعی - اقتصادی انقلاب بهمن، بازتاب گسترده اجتماعی داشته است:

این دزدی‌ها... این گرانفروشی‌ها، این احتکارها، جنسی که در یک دکان به ده تومان بخری، مغازه دیگر پنجاه و صد تومان، یکی از این قالی فروش‌ها فرموده. بود نه بی از دوستان، استفادای را که ما در این یک سال ۰۰۰ کردیم برابر بود با بیست سال قالی فروشی و فرش فروشی. (آیت‌الله صدوقی - ج ۱۰ - ۱۳ تیر ۶۲)

عده‌های پس از پیروزی، متاعشان به حدی بوده که در تمام دوران طاغوت به اندازه این چند سال سود نبرد مانده، مثلا یک فردی را می‌شناسم که در مرض ۴ ماهه حدود ۳۶ میلیون تومان مایه‌ی داشته ۰۰۰ (آیت‌الله ملکوتی - امام جمعه تبریز - کیهان ۴ آبان ۶۱)

میلیون‌تراها میلیارد ر شدند، این چگونه توزیعی است؟ در کدام مملکت حتی سرمایه‌داری چنین آش‌شله قلم کاری وجود دارد؟ (عابدین زاده نماینده مخری - اطلاعات ۱۲ اردیبهشت ۶۲)

هنگامی که دادستانی امور صنفی، در سال ۶۰ در جریان مبارزه با گرانفروشی با بازاریان بزرگ و وزارت بازرگانی درگیر شد، نمونه‌های جریه‌های چند ده میلیون تومانی گرانفروشان فرولان تر شد. ستاد پیگیری فرمان ۸ ماده‌ای، این دادستانی را به جرم تعقیب اهداف سیاسی از اقدامات قضایی خویش، تسویه کرد.

انتقال سرمایه تجاری به تولید وابسته مصرفی

بسیاری از تجار بزرگ، از رهگذر این غارت‌چنان سرمایه‌های اندوختند که به زودی به طمع خرید و احداث کارخانه افتادند و در این راستا سرمایه‌گذاری کردند.

به ویژه سرمایه‌گذاری در صنایع سبک مصرفی، و اغلب وابسته مورد علاقه آنان بود: آقای غلامعلی جعفرزاده یک سرمایه‌دار بزرگ است. قبل از سال ۱۳۵۹ طناب فروش بوده، لاکن یا اخذ اعتبارات قابل توجهی از بانک ملی مرکز و بانک پارزگانی شعبه بازار آهنگران، اقدام به وارد کردن ماشین آلات صنعتی از ژاپن کرده و کارخانه‌ای به ارزش تقریبی ۷۰ میلیارد تومان تأسیس نموده است. نکته‌جالب اینکه رقم ۳۴ میلیون تومان گرانفروشی شخص مورد نظر از طریق ۳۰ درصد تولیدات کارخانه یعنی پلاستیک آن هم در ۳ ماه بوده است و بقیه تولیدات وی

که طناب و نخ کشاورزی است وضعیت جداگانه دارد. (معاون دادستان صنفی - اطلاعات ۱۰ بهمن ۶۱)

عده‌های تاجر هستند که می‌خواهند مثلا کارخانه نوشابه سازی تأسیس یعنی مواد اولیه را وارد کرده و راحت آن را بفروشند. (وزیر صنایع - صبر آزادگان - ۳۰ دی ۶۱)

فشار بازاریان برای خرید کارخانه‌های دولتی تا حدی بود که این مسئل یکی از مسایل مهم اقتصادی و سیاسی تبدیل شد. موافقان واگذاری کارخ دولتی به بازاریان می‌گفتند:

از این راه مقدار زیادی از پول‌های سرگردان جامعه که در دست داران است، و صرف واسطه‌گری و خرید و فروش کالا و نهایت موجب گرانی، تورم می‌شود، به جیب دولت می‌رود. فایده دیگری این است که این کارخ که الان از ضعف مدیریت در رنج هستند، صاحب‌مدیران دلسوزی شوند و تو کارخانجات را بالا ببرند. (مرتضی النوری - صاحب‌با نشریه جهاد سازخرداد ۶۱)

آنچه که در پاسخ گفته می‌شد گرایش واقعی سرمایه‌تجاری را تصویر می‌کر: کسانی که این حرف‌ها را می‌زنند به دنبال صنایع ضرر ده نیستند، به دنبال صنایع سود ده هستند. من امیدوارم که هرگز مسایل قبل از انقلاب نشود، که کسانی بتوانند با پول بانک‌ها یعنی پول مردم و بیت‌المال به ثروت کلان دست یابند و حقوق مردم را ضایع کنند. (شافعی - مدیر عامل سازمان صنایع ملی - کیهان ۲۳ دی ۶۱)

افزایش قدرت اقتصادی بازار در شهرهای بزرگ کشور، نفوذ و اعتبار سیاسی و ولترمدان و سیاستمداران بازاری و روحانیون وابسته به آنها را افزایش داد. این خود به تمرکز بازرگانی داخلی و خارجی در دست‌های بازاریان افزوده (داخلی حزب توده - ایران - اسفند ۱۳۶۱)

فریبی روز افزون و انباشت کم سابقه سرمایه در شرایط محاصره امپریالیست جنگ خاتمانسوز و کاهش عرضه کالاها و رواج بازار احتکار گرانفروشی منحص سرمایه‌داری بزرگ و متوسط تجاری نبود. سرمایه‌داران کوچک و لایمهای بالای کسبه و پیشموران نیز در این شرایط سود کلانی بردند. به جرات می‌توان گفت همه کسانی که در تولید و توزیع دستی داشتند و حجم سرمایه و اعتبار مالی و دولتی، به آنان اجازه می‌داد، که سهم اصلی را از ایر سود انحصاری و احتکار این سالها از آن خود کنند، در این چند ساله سرمایه‌های کلان اندوختند. تا آنکه گرایش به حفظ وضع موجود، غارت‌بندی و بار آزاد و فارغ از هرگونه نظرسا دولت و مردم، مجموعه گرایشهای ضد امپریالیستی و مترقی بسیاری از سرمایه‌دار کوچک و کسبه و پیشه‌وران مرفه را در سایه قرار داد. انباشت کم سابقه سرمایه این لایمها، محل مادی گرایش به سازش با نظام زمین‌داری و سرمایه‌داری وابسته شد.

نقش ممتاز و رهبری کنند بازاریان پیرو آیت‌الله خمینی، در روند غارت سازمان یافته بازاریان، گروه بازاریان پیرو آیت‌الله خمینی نسبت به مجموعه بورژوازی از امکانات ویژه‌ای برای ثروت‌اندوزی برخوردار بودند. این گروه از ابتدا انقلاب در مدیریت دولتی اقتصاد کشور، نقش اصلی داشتند، و از سال ۶۰ وزارت بازرگانی و ادارات تابعه آن را قبضه کردند. از سوی دیگر، این گروه، بد و پیروزی انقلاب مسئول سازماندهی اصناف و بازاریان بودند، و از این طریق تدریج توانستند، توده بازاریان را تحت رهبری خویش سازمان بدهند، و رقبت اقتصادی را از صحنه برانند.

مهم‌ترین ارگان سازمان دهنده در بازار از پیروزی انقلاب تا کنون کمیته امور صنفی بوده است:

در اوایل انقلاب احساس شد وضع بازار در اختیار حزب الله باید قرار گیرد از نظر مسایل سیاسی. لذا مصوری برای این حرکت ایجاد شد و آقای انواری طرف حضرت امام تعیین شد ندکه این محور را ایجاد کنند و جانشین همان حرکت‌های ارتباطی اصناف باشد که در سابق به نام اتاق اصناف بوده، مشکلات اصناف در ابتدای انقلاب زیاد بود و بعد از این مشکلات هم به نحوی حل شد و این ارگان سروده شد. (دفاعیات خاموشی - ۲۵ فروردین ۶۲ - کیهان)

در تهران ۶۰۰ هزار واحد صنفی وجود دارد که ۲۰۰ هزار آن بدون پر هستند. (حاج سعیدامانی - عضو کمیته امور صنفی - ج ۱۰ - ۲۵ مرداد)

واگذاری سهمیه توزیع و دادن پروانه کسب به این اصناف، مشروط به تشکیل

ایران در انقلاب بهمن

بخش دوم

سیاست گذاری صادرات را به عهده گرفته، و وارد کنندگان کنترل توزیع و ستاد مبارزه با گرانفروشی را؛ عهده دار شد ماند؟ آیا صحت دارد که اینان بهگونگی حساب شده عمل می کنند که اگر یکی از آنان را از بنیاد مستضعفان کنار گذاشتند به بنیاد مهاجرین می رود و دیگری را از بنیاد مهاجرین کنار می گذارند به وزارت بازرگانی راه پیدا می کند؟ ۰۰۰ چه شده است که امروز فریاد و استنلام ققاهتی از حجره های پر زرق و برقی که با یک تلفن میلیون ها ریال به جیب می زنند بلند شده است؟ آیا فکر کرد ما بد که ممکن است کاسه ای زیر نیم کاسه باشد "عبد الواحد موسوی - نماینده لار - ۱۶ خرداد ۶۲".

آیت الله خمینی و پیروانش، به ویژه برای کنترل بازار و استفاده سیاسی از نیروی آن، دست بازاریان "پیرو آیت الله خمینی" را کاملاً باز می گذاشتند. در جریان سرنگونی بنی صدر این گروه نقش اصلی را در متزوی کردن طرفداران لیبرال ها در بازار ایفا کرد. خاموشی معروف در شرح "خدمات" خود می گفت:

"کمیته امور صنفی در کارهای سیاسی بسیار موفق بوده است، تا آن حدی که در عدم صلاحیت مرجعیت شریعت داری یا انتصاب سراسری این مسأله را تثبیت کرد و حمایت از روحانیت نمود، به این صورت از آن اتاق اصناف سابق به این وضع موجود رسید" (دفاتر خاموشی در مجلس - کیهان - ۲۵ فروردین ۶۲).

با افزایش قدرت و نفوذ اقتصادی و سیاسی قبیله التجارها، آنان از قالب عوالم اجرایی بدر آمدند، و خود به یکی از قطب های اصلی قدرت و سیاست سازان مده و حکومتگران واقعی، تبدیل شد ندکه نقش صدای دربسیاز سازی سرمایه - داری وابسته به امپریالیسم به عهده گرفتند.

نقش بورژوازی تجاری در بازسازی وابستگی به امپریالیسم

کنترل صادرات و واردات کشور، ارتباطات بازاریان بزرگ، به ویژه پیروان آیت الله خمینی را با محافل امپریالیستی گسترش داد. ته ریش دارانی که پیش از این به بازی گرفته نمی شدند، اینک نور چشم و سولگی سفارت خانه ها و وابسته های اقتصادی، و انحصارات امپریالیستی بودند (تحلیل داخلی حزب توده ایران - اسفند ۱۳۶۱) شبکه نمایندگی های اقتصادی آنان به زودی در پایتخت ها و شهرهای مهم دول امپریالیستی گسترش پیدا کرد. این ارتباطات با پیروان سیاسی گسترده بازاریان با محافل سیاسی امپریالیستی نیز شد. از طریق این روابط نه تنها معاملات کلان اقتصادی، بلکه معاملات تنگین سیاسی نیز انجام می شد. نمایندگان سیاسی بورژوازی تجاری، به ویژه خواستار توسعه همه جانبه واردات کالاها از کشورهای امپریالیستی بودند. عسگر اولادی، وزیر بازرگانی پیشین، واضح نظریه "پیچ تزییق" بود. بنا بر این نظریه بحران اقتصادی حاکم بر کشور تنها از راه گشودن هر چه بیشتر پیچ تزییق کالاهای امپریالیستی قابل حل است.

امروز بیش از بیست میلیارد دلار از ۲۳ میلیارد دلار واردات ایران - به جز واردات اسلحه - از کشورهای امپریالیستی تأمین می شود و حجم تبادل کالا با کشورهای سوسیالیستی و سایر کشورهای مرفی از زمان شاه نیز کمتر است.

اما دامنه روند نماسازی وابستگی به امپریالیسم از سوی بازاریان، تنها به عرصه تجاری محدود نمی شود. بازاریان بزرگ در سرمایه گذاری صنعتی نیز - چنانکه نمونه های کارخانه های مونتاز وسایل پلاستیکی و نوشابه سازی که پیش از این آورده شد و نشان می دهد - عرصه صنایع صرفی سیک و وابستگی آفرین را ترجیح می دهند.

از جمله به این دلیل است که آنان خواستار حفظ و ترمیم مجموعه اقتصاد وابسته موجود کشور هستند. در آمیختن سرمایه تجاری با بقایای سرمایه وابسته نیز این روند را تقویت می کند. بازاریان پیرو آیت الله خمینی، که در نخستین سال های انقلاب، با محافل امپریالیستی سرسنگین بودند، و در برابر سرمایه داری وابسته که با انحصار اعتبارات کلان دولتی و بانکی و نظارت و کنترل بوروکراتیک بر آنان ستم روا می داشت می ایستادند، اینک که در حفظ نظام سرمایه داری وابسته ذینفع شده اند و رهبری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن - ستاد رهبری سرمایه داری ایران - را نیز به عهده دارند، حتی نقش وکیل مدافع سرمایه داران وابسته را نیز به عهده می گیرند.

پس از فرمان ۸ ماده ای آیت الله خمینی "حالا دیگر یک نفر استنادار، اگر تابع فرمان باشد، جرات نخواه کرد مثلاً یکی از اعضای اتاق را به این بهانه که بقیه در صفحه ۱۴

نادهای صنفی جدید، و به ویژه طرد افراد نامطلوب" از مدیریت اتحادیه ها (سعیدامانی - همانجا) - به این ترتیب نفوذ سیاسی و مذهبی آیت الله پینی با فشار اقتصادی بازاریان بزرگ ترکیب شد و توده اصناف تهران و شهرهای بزرگ ایران، ظرف مدت کوتاهی تحت رهبری بازاریان پیرو آیت الله خمینی قبیله التجارها - به شیوه ای مشکل شدند که کمترین اعتراض نسبت به رفتارگری کلان و انحصاری آنان از سوی توده اصناف، به آسانی قابل سرکوب باشد.

بازاریان پیرو آیت الله خمینی، به زودی از موفقیت ویژه خویش برای تشکیل تادیه های سرمایه داران بزرگ، تحت عنوان "تعاونی های توزیع" و "واگداری" نصار توزیع کالا های وارداتی و داخلی به وسیله وزارت بازرگانی به آنان استفاده شد. بخش اصلی این کالاهای به قیمت های چند برابر در بازار سیاه به فروش رسد.

به این ترتیب مجموعه وزارت بازرگانی - کمیته امور صنفی نوعی انحصار سرمایه - ری دولتی به وجود آوردند که بر سود انحصاری حاصل از آن به طور عمده نصیب ایران پیرو آیت الله خمینی می شد. سازمانهای دیگری چون سازمان نیمه لتی "بنیاد مستضعفان" و شرکت سهامی "سازمان اقتصاد اسلامی" (پسه پرستی شیعی - پور شهابی - کاشانی) که از ابتدای پیروزی انقلاب برای

دات عمده کالا تشکیل شده بود و از پشتیبانی دولتی نیز برخوردار بود و نیز صندوق های قرض الحسنه که به طور عمده تحت اختیار این گروه بوده، ایسین نصار سرمایه داری دولتی را تقویت و تحکیم می کردند.

چنین است نقش اقتصادی واقعی کسانی که در باره آنان گفته اند:

"امروز هم بسیاری از این ها در کارهای انقلابی هستند و مجانی خدمت کنند، مغازه شان کار خودشان را انجام می دهد" (هاشمی رفسنجانی - نماز

جمه - کیهان هوایی ۱۳ مرداد ۶۲). "افضاحات" بنیاد مستضعفان "است. یکی دیگر از ثمرات این "خدمات مجانی" سترین سرپرست بنیاد مستضعفان - بنگاه نیمه دولتی که مجموع دارایی - از بسیاری از کشورهای "جهان سوم" بیشتر است - مهندس خاموشی - در خاموشی معسروف بود - در زمان او سو استفاده بازاریان از بنیاد به

رت حیف و میل اموال، و به ویژه معاملات کلان و مشکوک یا گروه فوق به حسدی ید که حتی آیت الله خمینی گفت "شاید نام که بنیاد مستضعفان، بنیاد مستکبران ه. است". سرپرست یعدی اعلام کرد:

"ریخت و پاش هایی در زمینه اموال مختلف از جمله جواهرات و عتیقه جات ملق بوده است" (کریمی نوری - ۲۰ مهر ۶۱).

این "ریخت و پاشها" در حدی بود که کمیسیون تحقیق ۸۰۰ پرونده مختلاس سو استفاده تشکیل داد. این پرونده ها بعد ها به فراموشخانه رفتند. پسرای جاد شرایط مناسب جهت سو استفاده از بنیاد، به عمد، وضعی به وجود آمده

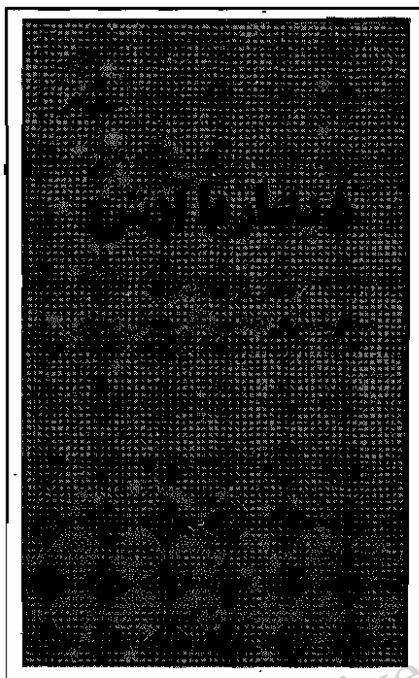
ت که هنوز پس از ۵ سال کار حسابرسی بنیاد به پایان نرسیده است؛ یا تشکیل دفتر برنامه ریزی در بنیاد کار جمع آوری آمار از دارایی ها و اثاث در حدود ۱۰۰۰ شرکت، خطوط حمل و نقل زمینی و دریایی، کارخانه ۲۰۷ کارخانه، از جمله ۱۰۰ کارخانه بزرگ (مزرعه، بیمارستان، مرغداری، بداری، سینما، اضلاک و مستغلات (۱۰۰ هزار خانه و آپارتمان و هتل) و غیره از جمله گنجی از جواهرات و عتیقه جات و قالی ها و تابلوهای نفیس) آغاز شده است" (طباطبایی - آخرین سرپرست بنیاد - اطلاعات - ۵ خرداد ۶۲).

امروز نیز بازاریان، پست های کلیدی را در "بنیاد مستضعفان" در اختیار رند. از جمله حاج رفیق دوست، بارفروش بزرگ تهران، مسئول بخش کشاورزی باغداری بنیاد است. حاج ماشاء الله کاشانی، (ملاشاء الله قصاب، مسزور و نتجه گر معروف) نیز مسئول بخش دامپروری آن است! نقش انحصاری گروه بازاریان پیرو آیت الله خمینی در کنترل اقتصاد کشور، امروز زبان زد خاص و عام است.

"چند اتحادیه ساختگی و معلوم الحال، صادرات مملکت را به دست گرفته و تهیه بخشنامه ها و مقررات نامتناسب با انقلاب، توسط عوالم خود راه صادرات را بر دیگران بستند. آیا دولت متوجه این حقیقت است که عسدهای دود، وزارت بازرگانی، اطاق بازرگانی، بنیاد مستضعفان، اتحادیه های مختلف ادرا کنندگان، بنیاد مهاجرین جنگی و چندین سازمان و نهاد اقتصادی دیگر را ضه کرده و امر به گونهای است که صادر کنند، خود به طور مستقیم کنترل صادرات

«آرش کمانگیر، کسرایی، به روایت حیدر مهرگان»

برای کسانی که هنر و ادبیات نه نغفن، بیلی ضرورتی است؛ برای کسانی که در این اثر هنسری نه تجرید محض، نه ذنییات ناما نوس " آفریننده " آن، بل با زتابی از عین در تخیر را جستجو می کنند و برای کسانی که میان هنر و زندگی و مبارزه فاصلهای نمی بینند، " آرش " و سراینده " آن کسرایی، شعر و شاعری آشناست . این آشنایی اگر حتی به قدر شناخت هم قد بکشد، باز هم دیدار با آرش، نقدی که حیدر مهرگان بر منظومه " آرش کمانگیر " نوشته ارزش تکرار نشدنی خود را حفظ می کند . این ارزش نه از آن جهت که مهرگان، واقعیت غالب آمده بر افسانه آرش را آشکار می سازد؛ نه به این دلیل که روح مشتعل و بی تاب خانه کرده در این قالب روزبه - را می نمایاند؛ نه از آن رو که از چهره نمادها حجاب بر می گیرد، بلکه افزون بر تمامی اینها بدان سبب که چند سوگی تعابیر و مفاهیم در این نقد، در آمیزش دوار برانگیز مقولات علمی و فلسفی و جامعه شناسانه محکم می خورد . . . قابل تأمل و تقدیر است .



مهرگان با کلیدی به گشودن این قفل همت می گمارد که کمتر کسی پیش از او، آن را به خدمت گرفته : دیالک تیک، و از همین روست که زیر عنوان " دیدار با آرش "، با " بحثی در دیالک تیک منظومه آرش کمانگیر " مشخص می شود .

مهرگان، در آغاز سخن از جای بی بدیل " شاعر بزرگ " در تاریخ حرکت می کند و در بازگشتی به گذشته فرهنگ سز زمین خود، طلالی احکامش را به رخ می کشد؛ در آن ها هیچ چون و چرائی نیست :

" شاعران بزرگ، در عین حال برتری من مورخان زمانه اند . آنجا که تاریخ نویسان متوقف می شوند، شاعران آغاز می کنند . تاریخ، روایت انسان در درون طبیعت است . شعر، اما سیر و سلوک تاریخ در درون انسان است . چنین است که دیالک تیک شعر و تاریخ که از دو نقطه مقابل به راه می افتند در وجه بود انسان یکدیگر را ملاقات می کنند .

" چه مورخی بهتر از حافظ از روح دوران خود عصاره ساخت و زندگی را آنچنان عسقی و آکنده از ظرافت حفر کرد ؟ حافظ هم چهره انسان مجرد و هم چهره های پر شمار انسان مشخص زمانه خود را با بلاغت نیرومندی تصویر کرد . از یک سو در وجود " شاه محتسب " و " صوفیان ریاکار " و " زاهدان عبوس خشم شکن " که " لاف صلاح " می زدند، ناراستی کار " و " غدر اهل روزگار " را روی دایره ریخت و در روشنایی تلخ " آتشی که در خرقة سالوس " افکند، بطلابت و عبث محیط بی رحم خود را ثبت کرد، و از دیگر سو، در هیأت قلندر " آزاد از هر چه رنگ تعلق پذیرد " و به بهانه " خراباتی گری " علیه تعصب و خرافه و

افسانه پرستی، به شورش و شبخون رند انسانی دست زد و صورتی آرمانی بر فراز همه ایمن صورتک ها، از " انسان حداکثر " دوره خود نشان داد . او در " طامات " و " سطحیاتی " که تلقیات قشری آن را کفر آمیز و مواظ السلاطین و " بیخه خواران " درشت مدعا " غرقه در ارتدادی خون آلود می یافتند، جنگ بسی - پروای تن به تن با " مدعیان " و " نامحرمان " را به سطح فلسفی و تجریدی خیره کننده های تعالی داد، که نه فقط روز، روزگار را شخم زد .

" معجون جادویی حافظ با این خواص، در قلب دیگر سوداها، عشق ها، تمنیات و آرزو های خاکستر شده انسان فرزانگی که در خانه خویش بیگانه است، زوال تاریخ موریانه خورده های را که در حال تخمیر و انحطاط باطنی بود و انسان اسیر در این تاریخ ولهیده، در زیر آوار آن را تعبیر کرد . بدینسان شعرا، جغرافیای انسان عصر شد و طبل و عرض جان و نهان این انسان را در مرمر خود حجاری کرد .

" چنین شجری در رنگین کمانی از حس و لفظ و تجربه، قوام یافته، در وجود سعدی " نماینده کامل یک شهر فتودالی ایران " در سده های میانه را معرفی می کند و در طرح ساده و عامیانه " موش و گربه " عیب زاکانی خود - نعانی مذهبی و ماهیت قدرت های ضد مردمی را به سخره می گیرد و با کشاندن هنزل تا سطح " دم اجتماعی زور مندان " جدی ترین واقعیت های جامعه را برهنه می کند .

" شعری با این سرشت، فقط روایت گر ساده و دوره گردی در یک گوشه " تاریخ نیست . نیرویی است که میزان درک شدن و جذب شدن، به

نیروی مادی می شود و در تغییر تاریخ کار می آید . او هم حدیث کننده و فادار تاریخ هم ویرانگر حدیث نویسن است . هم در ویرانی تاریخ شرکت می کند و هم در آفرینش دوباره آن . او سایه ناز و دنی انسان، شعائر و رنج های او در، روی زمین است ولی می تواند - سلاک استحقاق او هم باشد . رد پای این غول بی مضله در میهن ما با شعر رودکی که زیر سقف سربری و کوتاه زمانه خود، عدالت مفقود شده را استغاشه می کرد و نوید آن را از خداوند گارانی که " نمی داند، اما می تواند " می طلبید، آغاز می - شود و تا دفتر های سیاوش کسرایی ادامه می - یابد . کسرایی آخرین وارث این سلاله رنج و دشت و مزده است، بی آن که از همزاد انسی همتای خود - و نه به عرض شانه های خود - بی - نصیب باشد . او شاعر تاریخ است، اما نه فقط تاریخی که روی داده است، بلکه شاعر آن تاریخی که باید روی دهد .

مهرگان، سپس به معنای شعر می پردازد، و جوهر آن را از اندیشه هگل به تعبیر " پاز " پیوند می زند، گستردگی بی حد و مرز و بی نیاید " آن را در عین حال " بستگی و پیوستگی آن با جان جهان و روان کوچک و خیابان بود شت و کوه و صحرا " رسم می کند و سیمای کریه " منتقد های جنت مکانی " که در روزگار طاغوت یکپارچه برای مثله کردن " آرش و هنر متعهد " رنگین نامه های هنری و غیر هنری مجاز را عرصه شلتاق های خود ساخته بودند، می نمایاند و سرانجام :

" آرش کسه بود ؟ این تندراز پیشانی کدام کوه سرزد ؟ چرا آمد ؟ چه کسی خرقة اسطوره به دوش او انداخت ؟ کدام سینه او را آواز کرد ؟ "

و با آوای واژه های شعر کسرایی پاسخ می - دهد :

" فرزندی از سلاله کار " ، " تناسخی مادی و قابل رویت . . . که از کالبد افسانه در سرگذشت روزبه می ریزد و از درون گور روزبه، زنبندگی حزب او را در آغوش می کشد و سرانجام در جسم واژه ها، خود نیرو و هجوم می شود و در زندان ها و شکنجه گاه ها، در غربت و تبعید، در برگ ریزان ایمنان و کسوف عشق و زیبایی، با سرود و فلز برمی خیزد، لبخند می زند، نوازش می کند، دل داری می دهد، مرهم می گذارد و جسارت و استقامت می پخشد . این آرش، هنوز راه می رود و آواز می خواند، نه فقط با دهان افسانه، نه فقط با پای های روزبه، نه فقط در شب و خاطره مردگان . . . "

مهرگان برای رسیدن به این گرگها، هم بر منظومه آرش، هم بر تاریخ و جامعه و . . .

بقیه در صفحه ۱۶

روزی که «شاه» در رفت

۲۶ دی ماه پنج سال پیش، روزنامه‌های ایران با درشت‌ترین حروف این مژده را به خلق دادند: شاه در رفت! موج شادمانی شهرها را فرا گرفت، مردمی که تا صبح همان روز دسته دسته، در خیابانها به دست درخیمان شاه تیرباران می‌شدند، به رقص درآمدند - جشن عظیم شادی به راه افتاد، مردم سوار بر کامیون‌ها و تریلی‌ها از خیابانها می‌گذشتند و گروه گروه می‌رقصیدند - هر لحظه هزاران برگ سفید چون کبوتران در آسمان می‌چرخیدند - بر روی آنها نوشته شده بود، سلام آزادی! رهگذران غریبه، یکدیگر را در آغوش می‌گرفتند و فریاد می‌

ایران به بهای فداکاری‌ها، قربانیها و قهرمانی‌های کم نظیر به بخشی از آمال و آرزوهای خود تحقق بخشیدند - اما طولی نکشید که رهبران ج ۱۰ بار دیگر شرایط بازگشت به دوران سابق را در ابعاد گسترده تر فراهم آوردند - امروز پنج سال از آن روز می‌گذرد و بار دیگر سرمایه - داران وابسته و زمین داران بزرگ بر مردم حکم می‌رانند - ساواک تجدید سازمان شده و به همراه دیگر ارگانهای سرکوبگر، هرگونه صدای آزادی خواهانهای را در گلو خفه می‌کنند، انقلاب ضد امپریالیستی، ضد استبداد و دیکتاتوری مردم به وسیله سردمداران ج ۱۰، به

موج پشتیبانی...

بقیه از صفحه ۳

نظامی در بسته علیه افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران اعتراض نموده - و از خواست محافل دمکرات، ممتنی بر تشکیل جلسات دادگاه به صورت علنی و با شرکت ناظران بین المللی و آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی، پشتیبانی کرده است -

● سازمانهای زیر طی انتشار بیانیه‌ها و ارسال نامه‌ها و مخابره تلگرامهای اعتراضی به مقامات مسئول ج ۱۰، محاکمه میهن دوستان و فعالین حزب توده ایران را در بیدادگاه‌های نظامی محکوم دانسته، رعایت حقوق ابتدائی متهمان و کلیه زندانیان را خواستار گردیدند - اتحادیه دانشجویان مارکسیست در کلن و آخن انجمن دانشجویان دانشگاه هانوفر نمایندگن دانشجویان رشته‌های الکترونیک و تعلیم و تربیت دانشگاه آخن -

● در مراسمی که " کمیته همبستگی با ایران در اولد نورگ، روز دوم دسامبر (۱۱ آذر)، به منظور جلب پشتیبانی هر چه وسیع تر نیروهای مترقی شهر با زندانیان دمکرات ایران برپا کرد، چند صد تن از آزادی خواهان آلمانی و خارجی شرکت داشتند - آنان پس از آنکه در جریان اهداف کمیته و آخرین رویدادهای ایران قسار گرفتند، حمایت بی دریغ خود را از زندانیان توده‌ای و سایر دمکراتهای در بند اعلام و آزادی آنان و رفع فوری تضییقات در مورد کلیه مبارزین ضد امپریالیست را خواستار گردیدند -

سوئد

کمیته اجرائی مرکزی اتحادیه کارگران نساجی و چند، طی برگزاری جلسه مجمع عمومی، به تشریح رویدادهای اخیر ایران و جنایات حکومت ج ۱۰، در حق زندانیان توده‌ای پرداخت و حاضرین، به اتفاق آراء، قطعنامه‌ای در زمینه محکوم کردن این اعمال صادر کرد - در این قطعنامه از جملوی خواستههای زیرین مطرح گردید است:

- ۱- پایان دادن به سرکوب حزب توده ایران
- ۲- انتشار لیست زندانیان توده‌ای
- ۳- برگزاری دادگاه‌های علنی برای " متهمین" با شرکت ناظران بین المللی
- ۴- بررسی وضع زندانیان، توسط هیئتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان و خبرنگاران
- شرکت کنندگان در جلسه، همچنین به منظور گرامی داشت خاطره اعضای حزب که در اثر شکنجه‌های وحشیانه در زندانهای ج ۱۰ به شهادت رسید هاند، ۳ دقیقه سکوت کردند -



استبداد قرون وسطائی برای احیاء نظام سرمایه‌داری ولبسته می‌انجامد - امروز پس از گذشت ۵ سال، حزب توده ایران، دیگر سازمانهای ضد امپریالیست و افسران میهن دوستی که مردم را به قیام همگانی علیه رژیم مستبد پهلوی فراخواندند برصندلی اتهام نشاند می‌شوند و به " جرم" مبارزه بیگانه برای خواستههای برحق مردم زحمتکش یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی محاکمه می‌شوند -

ما اعتقاد راسخ داریم که مردم میهن ما بنابر دیگر پاسخ دندان شکنی به سرکوبگران و دشمنان زحمتکشان خواهند داد و ابرهای تیره و تاری که آسمان میهن ما را پوشانده، بجای خود را به آفتاب استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی خواهد داد!

زند، آزادی مبارک! و از شادی می‌گریستند - عابران به یکدیگر می‌نگریستند و با چشمی گریان و لبی خندان به هم تیریک می‌گفتند - مردم در خیابانها می‌رقصیدند و دوانگشت خود را به علامت پیروزی نشان می‌دادند -

روز ۱۶ دی ماه، وقتی حکومت نظامی از هاری، بعد از دو ماه کشتار بی‌امان توده‌ها، در خون هزاران شهید خفه شد، تنها جسد متعفن شاه بر دستهای خونین آمریکا باقی مانده بود - سرده تاجداری که بر دریائی از خون می‌خواست تخت سلطنت خود را حفظ کند، دیگر به کار نمی‌آمد - جنازه شاه باید به زبله دان تاریخ پرم تاب می‌شد -

امروز پنج سال از آن روز می‌گذرد - مردم

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

در هفته ای که گذشت:

توطئه ها و تدارکات جنگی آمریکا در منطقه

در پی دیدار چندی پیش‌شارون از آمریکا و مذاکره در باره عقد يك پیمان استراتژیکی، در روزهای اخیر يك هیئت اسرائیلی به آمریکا سفر کرد و طرح شارون را برای این همکاری استراتژیکی با ایالات متحده آمریکا تکمیل نمود. هدف این پیمان قبل از هر چیز تقسیم کار دراز مدت بین امپریالیسم آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی برای سرکوب جنبش های آزادی بخش و دولت های مترقی و مستقل منطقه است! از این رو، اسرائیل، با کمک های گسترده نظامی آمریکا، در منطقه خاور نزدیک و میانه به بزرگترین قدرت نظامی تبدیل شده و نقش نیروی ضربتی آمریکا را علیه کشورهای مستقل و ملی و جنبشهای رهایی بخش در منطقه ایفا می نماید.

گسترش دامنه تجاوزات اسرائیل به خاک لبنان، زیر آتش گرفتن مداوم مواضع رزمندگان فلسطینی و تدارک حمله به سوریه نخستین بازتاب این پیمان در سیاست تجاوزکارانه و توسعه طلبانه آمریکا و اسرائیل است.

امپریالیسم آمریکا از اسرائیل چون چماقی بزرگ برای حفظ منافع غارتگرانه خود و تمام دنیای امپریالیستی استفاده می کند و بدین جهت تأمین برتری استراتژیک اسرائیل بر اعراب در هر زمان و در هر شرایط، مهم ترین هدف سیاست خارجی آمریکا در منطقه است! امپریالیسم آمریکا به موازات همکاری استراتژیک با اسرائیل و دیگر دول مرتجع عرب به تدارکات جنگی گسترده نیز توسعه می دهد.

بار دیگر از سخنان رهبران ج.ا. بوی خون به مشام می رسد!

در شرایطی که محافل گوناگون بین المللی هم صدا با مردم ایران، خواهان پایان دادن به جنگ خانمانسوز و ویرانگر ایران و عراق هستند، رهبران ج.ا. هم چنان بر سیاست توسعه طلبانه و لشکرکشی های پایان ناپذیر و بدفرجام خود پافشاری می کنند. چند روز پیش روزنامه ج.ا. اطلاع داد که:

" ارتش ج.ا. خود را برای حمله جدیدی به عراق آماده می کند "

و ادامه می دهد که:

" هزاران نفر از افراد ارتش ایران در مرزها مستقر شده و خود را برای حمله نهایی به

عراق آماده می سازند "

روزنامه ج.ا. همچنین می افزاید:

هزاران نفر خود را به جنوب رسانده اند تا

آخرین ضربه را به صدام وارد آورند "

از سوی دیگر حجت الاسلام رفسنجانی طی

سخنانی تهدید کرده که برای رسیدن به مقصود

نهایی و آوردن ضربه نهایی بر صدام حسین،

ما لوله نفت عراق به ترکیه را نیز، هدف قرار

می دهیم .

از صحبت های حکام ج.ا. چنین استنباط

می شود که آنها برای این عملیات ارزش ویژه ای

قائل اند. در این رابطه آقای خامنه ای در

دیدار با اعضای کمیسیون اسرای عراقی در ۲۲

دی ماه می گوید:

" ج.ا. با فراهم آوردن امکانات،

تصمیم نهایی خود را در مورد آینده رژیم کنونی

عراق گرفته است و برای اجرای آن آمادگی کامل

دارد. "

آقای رفسنجانی برای رسیدن به این هدف

نهایی به صراحت در نماز جمعه می گوید:

" ما آرزومند روزی هستیم که بوی باروت ما

به خانه های بغداد برسد. "

حاکمان ج.ا. که سرنوشته و آینده خسود

را با دست یافتن به يك پیروزی نظامی در جنگ

گره زده اند، این بار نیز تدارک عظیمی برای

قربانی کردن هزاران نفر از زحمتکشان میهن

ما دیده اند، در جهت اجرای سیاست های

دیوانه وار و عظمت طلبانه خود از فدا کردن جان

و مال و هستی مردم محروم ما ایثی ندارند. زیرا

بقای چند روز بیشتر حاکمیت خود را تنها در این

گونه اقدامات خونین، ویرانی آور و هستی بر باد

ده می بینند .

احیای سنتوبه ابتکار ج.ا.

در روزهای گذشته رهبران ج.ا. يك گام

بلند دیگر علیه منافع مردم و استقلال ملی ایران

برداشتند و چنانکه خبرگزاری آمریکایی آسو-

شیتد پرس با اظهار رضایت مندی فوق العاده ای

خبر داد:

" پیمان همکاری منطقه ای برای عمران "

که شعبه ای از پیمان نظامی سنتو است، تجدید

فعالیت خود را به ابتکار ایران آغاز کرد. به

گزارش همین خبرگزاری نماینده ترکیه، کشور عضو

پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) دبیر اول این

پیمان جدید منعقد به بین ایران و ترکیه است! به

طوری که می دانید، پیمان همکاری منطقه ای برای

عمران در بهار سال ۱۳۴۳ با توصیه امپریالیسم

آمریکا در ارتباط با پیمان سنتو تشکیل گردید.

این پیمان از همان سه کشور عضو پیمان نظامی

سنتو در منطقه، یعنی ایران، ترکیه و پاکستان

تشکیل شد و گویا به منظور همکاری های منطقه ای

برای عمران تشکیل یافته است. اما مبتکرین پیمان

امپریالیستی این پیمان ازید و تشکیل آن، هدف

کاملاً دیگری را دنبال می کردند .

امپریالیسم آمریکا با شرکت فعال شاه

مخلوع، برای جلب کشورهای جدیدی به پیمان

نظامی امپریالیستی به تشکیل این پیمان دست

زد، تا شاید بتواند از این راه کشورهای دیگر

منطقه را به نحوی از انحاء به پیمان نظامی

سنتو پیوند دهد و سیاست نو استعماری نظامی

گری و مسابقه تسلیحاتی را برآنان تحمیل کند .

تلاش رهبران ج.ا. برای احیای پیمان

سنتو يك عمل عمیقانه ملی است که در حکم پسر

باد دادن یکی دیگر از دستاوردهای بزرگ

انقلاب ضد امپریالیستی ۲۲ بهمن است .

این پیمان بر اصل وحدت منافع رژیم های

وابسته و ضد ملی ایران و ترکیه و پاکستان بنا

کشورهای امپریالیستی (آمریکا و انگلستان)

برای حفظ و حراست از منافع امپریالیستها در

منطقه و همکاری در مبارزه با " خطر کمونیسم "

بناشد بود و اکنون نیز علت احیای مجدد آن را باید

به خاطر همین منافع مشترک ارزیابی کرد .

امروز نیز رهبران ج.ا. که با زمام داران

امپریالیسم و ارتجاع بین المللی به سرکردگی

آمریکا زبان مشترک یافته اند درصد نداشتند

ناپذیر میان منافع امپریالیسم و منافع ملی ایران

را به نام مبارزه با کمونیسم و در حقیقت مبارزه با

اتحاد شوروی روی کاغذ با هم آشتی دهند. البته

بین سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ

ایران که رژیم ج.ا. سنگگوی آنان است بنا

امپریالیستهای آمریکا و انگلیس و رژیم های

مرتجعی چون ترکیه و پاکستان اشتراك منافع

وجود دارد، اما آنان به هیچ وجه نه با زور و نه

یا تبلیغات دروغ نمی توانند این منافع را به جای

منافع مردم ایران جا بزنند .

زبان هایی که صیوت در پیمان سنتو به بهانه

" خطر کمونیسم " در تمام قلمروهای اقتصادی،

نظامی و سیاسی بر ایران وارد کرده است، بر

هیچ کس پوشیده نیست .

سیاست های رژیم های ترکیه و پاکستان هم

پیمانان ج.ا. از سیاست امپریالیسم آمریکا

جد انیست. ترکیه عضو پیمان ناتو است و

در وابستگی بی چون و چرای آن به امپریالیست

های غرب هم هیچ تردیدی نیست!

تلاش برای احیای روح سنتو، احیای رژیم

ستم شاهی است در لباس مبدل با رژیمی

که مردم ایران با دادن دهها هزار شهید و

صدها هزار زخمی و معلول آن را به گورستان

تاریخ فرستادند . بقیه در صفحه ۱۳

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

دو هفته ای که گذشت:

خراج ایران!

سیاست‌خاندان برانداز دهرای باز که از سوی حکام ج ۱۰ اعمال می‌شود و روابط فزاینده آشکار و نهان رژیم با انحصارات امپریالیستی، هر روز ابعاد گسترده تری به خود می‌گیرد. حاکمیت ج ۱۰ در ادامه مسخ انقلاب با شتاب روز افزونی در جهت احیا و نوسازی وابستگی اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی میهن‌مان به امپریالیسم جهانی گام بر می‌دارد.

در هفته‌ای که گذشت معاون سیاسی وزارت

امور خارجه ژاپن در رأس هیئتی وارد تهران شد. وزارت امور خارجه ایران در اطلاعیه‌ای که در پاره سفر این هیئت به ایران صادر گردیده بود، اعلام کرد:

" این سفر یکی از دیدارهای مستمر بین مقامات ج ۱۰ و ژاپن برای توسعه هر چه بیشتر روابط دو جانبه میان دو کشور است" (۲۷ دی ۶۲ رادیو ایران)

در پایان این دیدار نیز سفیر ژاپن در ایران طی مصاحبه‌ای گفت:

" در این دیدار، همکاری‌های بازرگانی و اقتصادی مورد بحث قرار گرفت و یکی از پیامدهای آن موافقت در مورد از سر گرفتن عملیات تکمیلی پتروشیمی بندر خمیسی بوده است - - و با رضایت کامل ادامه داد:

" کارشناسان آن کشور آماده هستند تا کار تکمیل پروژه پتروشیمی را به سرعت از سر گیرند." مسلم است که کارشناسان ژاپنی تنها به‌وسیله گردش و دیدار از آثار باستانی به ایران - یعنی - آیند و پشت سر این جملات - احیا و وابستگی اقتصادی و فنی به امپریالیسم جهانی - که از مدت‌ها پیش به برنامه استراتژیک سران ج ۱۰ بدل شده است - قرار داد.

سیاست‌خاندان سران ج ۱۰ به روابط گسترده آنان با ژاپن محدود نمی‌شود. هفته‌ای که گذشت روزنامه " فرانکفورتر روند شاو " طی مقاله‌ای از واقعیت وابستگی روز افزون ایران به بازارهای امپریالیستی پرده برداشته می‌نویسد:

" به احتمال خیلی زیاد، ایران از عربستان سعودی به عنوان مهم‌ترین واردکننده کالا های آلمان فدرال در منطقه خاور میانه پیشی گرفته است. هنوز نمی‌توان به طور قطعی این نتیجه گیری را کرده زیرا تنها آمارهای یازده ماه اول سال گذشته در دست است که طبق آن عربستان سعودی با فاصله ناچیزی هنوز مقام اول را در صادرات آلمان به خود اختصاص می‌دهد. البته باید در نظر داشت که با پویایی فوق‌العاده صادرات به ایران، می‌توان نتیجه گرفت که برتری ناچیز عربستان سعودی در ماه

دسامبر بر طرف شده است. ارقام مطلق و تخییرات نسبی نسبت به یازده ماه سال ۱۹۸۲ تصویر زیر را نمایان می‌سازد: آلمان فدرال در این فاصله ۶/۹۵ میلیارد مارک به عربستان سعودی صادر کرده است که نسبت به سال گذشته ۱۱٪ کاهش یافته است. ایرانیان به میزان ۶/۹۱ میلیارد مارک کالاهای آلمان فدرال را خریداری کرده‌اند که نمایانگر رشد ۱۳۴ درصدی نسبت به سال قبل است.

مقاله سپس به مقایسه حجم صادرات آلمان فدرال به ایران در زمان رژیم شاه و دوران کنونی پرداخته و از زبان ویز پلستیک معاون ریاست " دوپچه بانک " می‌نویسد:

" حجم صادرات آلمان فدرال به ایران از اوج صادرات در زمان رژیم شاه نیز بیشتر است. روابط تجاری نسبت به زمان قبل از خمینی‌ها ز کیفیت برتری برخوردار است. در حالی که علاقه تهران قبلاً بیش از همه متوجه تأسیسات بزرگ بود که نه تنها با وام دولت آلمان بلکه با وام بانکهای آلمانی تأمین مالی می‌شد، تجارت خارجی با ایران، امروز بیش از پیش بر مبنای پول در مقابل کالا استوار گردیده است. محور اصلی امروز بر " تجارت عادی " قرار دارد. دامنه کالاهای صادراتی بسیار متنوع است و وسائط نقلیه، دستگاه‌های مختلف، دارو، مواد غذایی (و در یک کلام کالاهای مصرفی) را در برمی‌گیرد."

خیانتکاران به اهداف انقلاب شکوهمند بهمن راه برون رفت از بحران فراگیر کنونی را در همسویی کامل با امپریالیستها در همه زمینه‌ها یافته‌اند. اینان چنان در مجلاب سازش پسا امپریالیسم فرو رفته‌اند که ترجیح می‌دهند، واقعیت استثمار گرانه امپریالیستهای ژاپن و آلمان فدرال را که بر کسی پوشیده نیست، نا-

دیده بگیرند.

سرکوب دگراندیشان ادامه دارد!

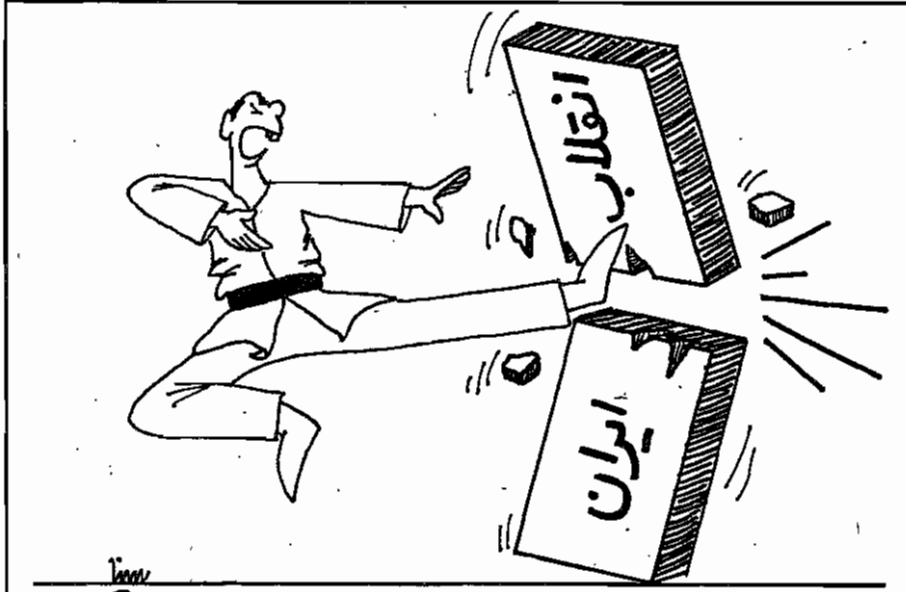
محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران که مأموریت سرکوب دگراندیشان را به عهده دارد، در شهرستان زندکرمین اعلام داشت که یک صد نفر از اعضا سازمان مجاهدین خلق ایران در تهران دستگیر شده‌اند. " گناه " این جوانان به گفته وی این بود که " با جو سازی و شایعه پردازی اذهان عمومی را خدشه دار کنند."

فرمانده سپاه پاسداران که می‌داند اتهام " جو سازی و شایعه پردازی " فاقد پایه حقوقی است، بلافاصله افزود، گویا آنان پنج دستگاه بی‌سیم بسیار قوی که می‌توانستند مستقیماً با کشورهای فرانسه و آلمان غربی و غیره تماس برقرار کنند در اختیار داشتند.

اینکه هر دگراندیش مورد تهاجم ارگانهای سرکوبگر حتماً باید دستگاه بی‌سیم داشته باشد و این امر به سنتی درج ۱۰ تبدیل شده نشانگر ژرفای سقوط اخلاقی هیئت حاکمه و بیانگر عدم اعتماد به خود و عجز رژیم است.

سران ج ۱۰ سیاست ترور و اختناق را از رژیم مخلوع شاه به عاریت گرفته‌اند، برای حفظ بقا خود از هیچ جنایتی روی گردان نیستند. با کمال تأسف مطلع شدیم که علاوه بر دستگیری یک صد نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران، اخیراً یازده نفر دیگر از اعضای آن سازمان را پس از شکنجه‌های وحشیانه به جوخه اعدام سپرده‌اند.

ما به این اقدام ضد انسانی ارگانهای سرکوبگر رژیم شدیداً اعتراض می‌کنیم و خواهان پایان دادن به جنایات و آزادی قربانیان استبداد قرون وسطایی هستیم.



سرمایه گذاری ژاپنی‌ها در ایران افزایش می‌یابد.

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان

سیاست شوروی ستیزی

بقیه از صفحه ۴

و ژاپن از ۹/۷ درصد به ۱۱/۹ درصد رسید (اطلاعات دی ۶۲)

در این گزارش از افزایش سریع معاملات بازرگانی مستقیم با ایالات متحده آمریکا سخنی به میان نیامده است؛ ولی روزنامه واشنگتن تایمز در شماره ۱۲ اکتبر ۸۳ از اینکه صادرات نفت خام ایران روزانه به ۲/۲ میلیون بشکه رسیده و ج ۱۰ توانسته اصل و فرع پد های رژیسم شاه مخلوع و نیز خسارات بانکها و کمپانی های آمریکایی را بپردازد، اظهار خرسندی کرده است. این روزنامه نوشت: ایالات متحده آمریکا سال گذشته مخفیانه معادل ۵/۴ میلیون دلار نفت از ایران خریداری نمود که در سال جاری مقدار آن افزایش یافته است. در عین حال شرکت های آمریکایی فروش مستقیم کالا به ایران را آغاز نمودند.

تلاشهایی را برای بهبود روابط با کشورهای سوسیالیستی شرق که مایل به انجام معاملات پایاپای هستند، به کار برد. زیرا معاملات بسا این کشورها به دلایل چندی منجمله انعقاد معاملات تهارتی، پیدایش بازارهای صادراتی برای محصولات ایران که قابل رقابت در بعضی از کشورها نیست، از صرفه جویی در ارز در شرایط مناسبی برخوردار بود.

معامله تهارتی یعنی فروش کالا در مقابل خرید کالا، گز مورد بحث یکی از این کالاها بود. ایران با فروش گازی که دهها سال در سرچاه های نفت سوزانده و تبدیل به دود می شد، توانست هزینه ساختمان عظیم مجتمع ذوب آهن اصفهان، کارخانه ماشین سازی اراک، هزینه ساختمان سدارس و دیگر موسسات صنعتی را بپردازد. این کارخانه ها بزرگترین و مهمترین و یگانه صنایع کلیدی ایران اند که با کمک اتحاد شوروی در ایران احداث گردیده، بدون اینکه دیناری ارز از کشور خارج شود. احتیسی در شرایط بحرانی کنونی این موسسات توانسته اند به کار خود ادامه داده و زندگی دهها هزار کارگر و اعضای خانواده آنان را تأمین کنند.

این موفقیت، کارگران و کارشناسان اتحاد شوروی، دوشادوش کارگران و متخصصین ایر سهم تعیین کننده داشتند. رئیس کارخانه ذوب آهن در مصاحبه ای اظهار داشت که بهره برداری از دومین کوره بلند ذوب آهن اصفهان تولید چدن کارخانه ذوب آهن ۱۸۰۰ تن به ۴۰۰۰ تن افزایش خواهد داد. بدین ترتیب سالانه از صد و صد میلیون دلار ارز جلوگیری خواهد شد. با اندازی نورد ۵۰۰ مظهریت نورد از ۵۵۰ هزار تن فعلی به یک میلیون و ۲۵۰ هزار تن، در سه ۶۴ به ۱/۹ میلیون تن خواهد رسید که نقش اساسی در تأمین نیاز مملکت در این رابطه خواهد داشت. شمش تولیدی حاصل از بهره برداری کوره دوم این کارخانه به سایر کارخان های نورد داخل کشور فرستاده می شود که امر نیز مانع خروج ارز از کشور خواهد شد (اطلاعات ۱۶ آذر ۶۲)

آیا سران رژیم می توانند نمونه مشابهی را به کمک دول امپریالیستی در ایران به وجود آورده دهند؟ پاسخ منفی است. همه موسسات که انحصارهای خارجی در ایران به وجود آورد، در درجه اول مبارزند از موسسات، مونتاز که صد درصد وابسته به خارج اند و منبع اصلی صدور ارز و یا انتقال میلیاردها شورو کشور به گاو صند و قه های انحصارهای خارجی، بزرگترین عامل تورم فزاینده، بیکاری مزمن، با رفتن قیمت ها و فقر گسترده در میهن ما هستند. این است حقایق تکان دهنده ای که می بقیه در صفحه ۱۵

خیانت به منافع ملی

این تنها ما نیستیم که می گویم تعدی بازرگانی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی که نتیجتاً به گسترش مناسبات بازرگانی با انحصارهای غارتگر امپریالیستی منجر می شود، به سود ایران نیست. در گزارش نامبرده مندرج در اطلاعات چنین می خوانیم:

" دولت برای جلوگیری از بالا رفتن قیمتها

همین چندی پیش بود که رسانه های گروهی با خطوط درشت از موفقیت ج ۱۰ در زمینه خاتمه احداث کوره بلند دوم ذوب آهن یاد کردند، ولی آنها عدا فراموش نمودند بنویسند که در

تحولات طبقاتی در جامعه

بقیه از صفحه ۹

د هسال پیش عکس او را در مسیری که شاه ... از آن گذاشته است. - داستانهایی اعتبار کند. (خاموشی - سخنرانی در جلسه شعبه شهرستانهای اتاق بازرگانی و ... نشریه اتاق - دی ماه ۶۱)

قدرت اقتصادی دم افزون بازار، پشتوانه اصلی بازاریان بزرگ برای تأمین نقطه نظرهای سیاسی خویش در راستای حفظ و ترمیم اقتصاد وابسته و توسعه مناسبات وابستگی آفرین با کشورهای امپریالیستی است. آنان امروز نیز مانند گذشته، بخش ناچیزی از ثروت انبوه خویش را به صورت " وجوه شرعی " به مراجع تقلید می - پردازند. افزایش ثروت بازار به معنای افزایش سهم حوزه های علمیه نیز هست. قلم این وجوه می تواند هر مرجع تقلیدی، از جمله آیت الله خمینی را به شدت تضعیف کند. از سوی دیگر یکی از منابع اصلی کمک مالی به دولت پهران زده های جمله برای اداره اقتصادی جنگ، کمک های بازاریان است. بازار تم - کسه توان اقتصادی محدودی دارد. تنها در یک روز ۱۳ میلیون تومان کمک مالی برای تأمین هزینه های جنگی دولت پرداخت. (هاشمی رفسنجانی - نماز جمعه)

تهدید به قطع این پرداخت ها، همواره یکی از ابزارهای اصلی بازاریان بزرگ برای پیشبرد مقاصد ارتجاعی آنان بوده است.

کنند می در طرح ریزی سیاست های حاکمیت ج ۱۰ بدل شده است. نمایندگ سیاسی بازار، آنجا که اهرم های کلیدی را در اختیار دارند، خود سیاست دخی خود را جاری می کنند، آنجا که حضور ندارند، روحانیون و دولتمردان جز با رعایت منافع اساسی آنان در مسایل مهم اقتصادی و سیاسی، تصمیم گیری نمی کنند.

مجلس نمایندگان مردم در امر قانونگزاری، به حکم آیت الله خمینی، ناگزیر رعایت منافع آنان است که به وسیله شورای نگهبان پاسداری می شود. رئیس جمهور و دولت از دیرباز داوطلبانه در سیاست گذاری اقتصادی و برنامه ریزی بازسازی نظام سرمایه داری و بزرگ مالکی وابسته، اساسی ترین منافع آنان را برآورده می کردند. آیت الله خمینی، امروز هم از آنان دعوت می کند که نقش سیاسی مهم تر در حاکمیت به عهده بگیرند:

" شما بازار را بیدار کنید، تا در تهران و سایر جاها اشخاص خوبی را - مجلس بیاورند تا مجلس آینده از مجلس فعلی بهتر باشد (آیت الله خمینی سخنرانی در حضور بازاریان تهران - کیهان ۱۳ دی ۶۲)

حتی در به اصطلاح، دادستانی های انقلاب، بازاریان در اداره مستقیم غیر مستقیم امور. دخالت مومر دارند. بخش مهمی از بودجه زندان اوین را سازمان تهران تأمین می کند. لاجوردی معروف، از نزدیکان گروه بازاریان پیرو آیت الله خمینی، در زمان نخست وزیری رجایی، نامزد وزارت بازرگانی بود. بسیاری از بازنویان و شکنجه گران زندان اوین، بازاریانی از طراز " ماشاء الله صاحب سرپرست بخش دامپوری بنیاد مستضعفان هستند. از این روست که پلنوم هجده کمیته مرکزی حزب توده، ایران به درستی اعلام می کند:

امروز درج ۱۰ - " کلان سرمایه داران و به ویژه بورژوازی تجاری و نیز بزرگ مالکان، در مجموع خود، در پوشش " موازین شرعی " و " به نام امت مسلمان حکمروایی می کنند. " چرخش هیأت حاکمه راست، در زمینه سیاست داخلی و خارجی که به شک احیا نظام منحط سرمایه داری وابسته، تقویت بنیه مالی بورژوازی تجاری، احیاء مواضع اقتصادی و مآلا سیاسی امپریالیسم و همسانی و همسویی هر چه بیشتر بدول امپریالیستی تظاهر می کند، جامعه را با بحران اجتماعی - اقتصادی سیاسی روبرو ساخته است. (استاد پلنوم هجده هم - ویژه نامه " راه توده " ص ۷)

امروز روشن شده است که در آستانه چرخش به راست بهمن ۶۱، بازاریان بزرگ فشار اقتصادی و سیاسی سنگینی برای تأمین نظریات خویش، از جمله بر آوردن سه شرط اصلی یورش به حزب توده، ایران، قطع حملات سیاسی به بازار در نماز جمعه و در مجلس، و نخست وزیری عسگر اولادی، وارد آورده بودند.

فعالیت رشتنگرانه حزب توده، ایران، یکی از عوامل اساسی ارتجاع بازار در راه مست انقلاب، انتخاب کم درد سر راه رشد سرمایه داری وابسته و باز سازی وابستگی به امپریالیسم بود. بیهوده نبود که یورش به حزب توده، ایران، به نقطه عطفی در روند گسترش مناسبات اقتصادی وابستگی آمیز ج ۱۰ - با اردوگا ما امپریالیسم تبدیل شد.

به کمک اعمال نفوذ های از این دست، امروز بورژوازی تجاری، به عامل تعیین

”به یاد جنبش ۲ بهمن“

حزب توده ایران از مبارزه برحق خلق کرد در راه خودمختاری در چارچوب ایرانی مستقل و آزاد پشتیبانی می کند

۳۸ سال پیش، در دوم بهمن ۱۳۲۴، خلق کرد، نخستین حکومت ملی و مردمی خویش را برپا داشت.

در آن ایام خلق کردستان ایران، در شرایط تاریخی پیروزی اتحاد شوروی بر فاشیسم هیتلری در جنگ کبیر میهنی و اوچکیری جنبش انقلابی مردم ایران که تحت رهبری حزب توده ایران رشد بی سابقه ای یافته بود، توانست به مثابه جزئی از این جنبش، دوش به دوش برادران آذربایجانی خود، در گوشه های از خاک میهن ما ایران سنگر آزادی مستقر سازد و به همراهی همه مردم ایران شالوده ایرانی مستقل و آزاد را برپا ریزی کند.

قاضی محمد یکی از چهره های درخشان تاریخ معاصر کردستان و ایران به رهبری این حکومت برگزیده شد.

حکومت ملی کردستان سلطه ارتجاع فئودال - عشیره ای و امپریالیسم را از سئولیت تحت حاکمیت خود برانداخت و حکومت خلق را مستقر ساخت.

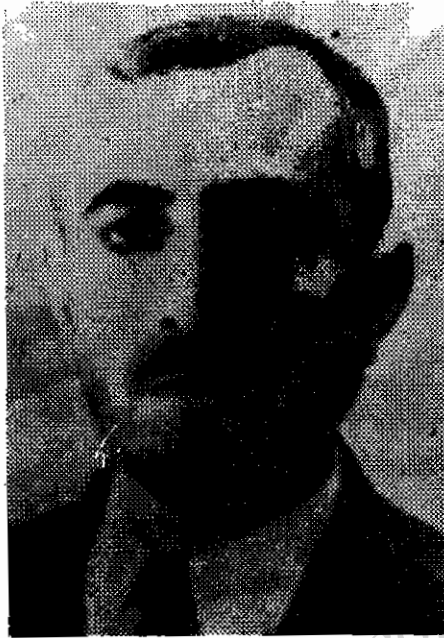
حکومت ملی کردستان اگر چه بیش از ۱۱ ماه نپائید و با یورش متحد ارتجاع حاکم و امپریالیسم سرنگون شد ولی در این دوران کوتاه با روح د مکرانیک و سنگتیری انقلابی اصولی خود به نسلهای امروز و آینده خلق کرد یگانه راه آزادی را نشان داد.

بنیان گذاران، اجرا کنندگان و رهبران این جنبش در تاریخ مقامی بس ارزنده دارند و نسل های حق شناس همیشه با حسن احترام در برابر خاطره شهیدای این نهضت قاضی محمد، سیف قاضی، صدق قاضی، و دها و صدها مبارز دیگر سر تعظیم فرود خواهند آورد.

اکنون که سی و هشت سال از پیروزی جنبش ۲ بهمن می گذرد، به رغم انقلاب شکوهمندی که در میهن ما به وقوع پیوست، مسئله ملی در میهن ما و به ویژه مسئله کردستان همچنان یکی از عمده ترین گرهگاههای بحرانی مبتلا به جامعه ما را تشکیل می دهد و خلق کرد تحت شدیدترین

محرومیتهای اجتماعی و اقتصادی بیهوشی و فرهنگی رنج می برد، شهرها و روستاهایش بنه وسیله بمباران های مداوم حکومت مرکزی و قسرار داشتن در صحنه جنگ ایران و عراق یا خاک یکسان شده است.

امکان تأمین خودمختاری در کردستان در چهار چوب تعامیت ارضی ایران که در پی پیروزی انقلاب به واقعیت ملموسی تبدیل شده بود، امروز دیگر با چرخش



قاضی محمد یکی از چهره های درخشان تاریخ معاصر کردستان و ایران

عمومی حاکمیت ج ۱۰ به راست به یأس بدل شده است.

در قطعنامه پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است:

”هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی، دامنه جنگ برادرکنشی در کردستان را که به خلق کرد تحمیل شده محکوم می کند و خواهان پایان دادن به بمباران شهرها و روستاهای منطقه و کشتار جمعی کودکان و زنان و پیر مردان است. پلنوم خواهان به رسمیت شناختن حق خودمختاری برای همه خلق های ساکن کشور در چارچوب تعامیت ارضی ایران است.“

حزب توده ایران به مثابه پیگیرترین نیروی مدافع منافع زحمتکشان و خلق های ایران در برزنا پیشنهادی برای تشکیل جبهه متحد خلق بر ”حل مسئله ملی از طریق پایان دادن به محرومیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تأمین حق خودمختاری خلق های ساکن ایران به مثابه ضامن تعامیت ارضی و به منظور تحقق

وحدت ملی و حفظ استقلال کشور“ تأکید کرده و از جانب خود متذکر شده است که:

”حزب توده ایران کوشش های لازم را برای ایجاد تفاهم و تماس نزدیک با سازمان ها و نیرو های مترقی انقلابی خلق کرد به عمل خواهد آورد.“

ادامه فشار سفارتخانه های ج.ا.ا. بردانشجویان مبارز

سفارتخانه های ج ۱۰ به تفرقه های جدیدی برای تحت فشار قرار دادن دانشجویان هوادار حزب توده ایران دست می یازد. در ماه های اخیر گزارشات متعددی از چهار گوشه جهان به دست ما رسیده که همگی حاکی از آنست که سفارتخانه های جمهوری اسلامی از تعدیدگذرنامه های دانشجویان هوادار حزب توده ایران سرباز زده و هر مواردی گذرنامه ها را استرداد نمی کنند. مقامات سفارت در پی پرسش و اعتراض دانشجویان مذکور به آنها گفته اند، تنها در صورتی گذرنامه شان استرداد خواهد شد، که تعهد نامه کتبی ”مبنی بر عدم فعالیت سیاسی اعضاء کرده و از گذشته خود توبه کنند“

”راه توده“ این اقدامات تضحیقی سفارتخانه های ج ۱۰ را که تداوم شیوه های رژیم ستشاهی - ساواکی است، شدیداً محکوم می کند. تجربه جنبش دانشجویی خارج از کشور نشانگر آنست که به کارگیری این شیوه های رذیلانه برای اعمال کنندگان آن، هیچ گونه ثمری به بار نیاورده است.

رژیم شاه ملعون نیز برای کشانمسیدن دانشجویان مبارز به انفعال سیاسی، به همسین شیوه ها متوسل شد و جز شکست نصیبی نبرد. اکنون نیز کارگزاران رژیم ج ۱۰ در خارج کشور قادر نیستند، هزاران دانشجوی میهن دوست و مبارزی را که در تلاش افشای جنایات سبانه ج ۱۰ در حق خلق و فرزندان راستین آن هستند، از پیکار باز دارد.

سیاست

بقیه از صفحه ۱۴
خواهند زیر شعار بی محتوای نه شرقی، نه غربی ویا بهتر گفته باشیم نه شرقی و فقط غربی از مردم ایران پنهان دارند. آنها که از خشم و نفرت مردم در هراسند، مجبورند برای واتعییات تعبیرات واهی بتراشند و به دعاوی بی مد رک مترسل شوند. تهمت وقیحانه به حزب توده ایران از جمله به قصد تیره ساختن روابط ایران باکشور های بزرگ همسایه و دست خلق های میهن ما نیز از اینجا سرچشمه می گیرد. این سیاست محکوم به شکست است.

توجه

به علت تراکم مطالب، تعداد محدود صفحات ”راه توده“ و کمبود جا، درج بخش اعظم تلگرام ها، نامه ها، پیام ها و اقدامات اعتراضی احزاب و جمعیت ها و محافل مترقی و دمکراتیک جهان از جمله دانمارک، اطریش، ایتالیا، هندوستان، آمریکا، انگلستان و... در این شماره ممکن نشد.



کنگره موسسان حزب کمونیست اسپانیا

همانطور که در شماره ۷۵ " راه توده " اطلاع دادیم در تاریخ ۱۶ ژانویه ۸۴ - در مادرید پایتخت اسپانیا کنگره مؤسسان حزب تازه کمونیست های اسپانیا - کنگره یگانگسی کمونیست ها زیر شعار " مارکسیسم - لنینیسم ما را متحد می کند " - گشایش یافت . یک کمیسیون تشکیلاتی ، که در آن نمایندگان چندین سازمان و جنبش کمونیستی با مواضع مارکسیستی - لنینیستی و انترناسیونالیسم پرولتری شرکت داشته اند ، دعوت کننده این کنگره بود .

گزارش سیاسی توسط ایگناسیو گالیگو ، یکی از کمونیست های قدیمی برجسته جنبش کمونیستی و کارگری در اسپانیا ، خوانده شد .

و به هنگام ارائه توضیحات پیرامون علل لزوم تشکیل حزب کمونیست تازه در اسپانیا ، اعلام کرد که " کمونیسم اروپائی " موجب تفرقه کمونیست های اسپانیا شده و بسیاری کمو نیست ها را مجبور کرده است صغوف حزب کمونیست اسپانیا را ترک گویند ، به طوری که این حزب نفوذ و اعتبار خود را در میان توده ها از دست داد و در آخرین انتخابات دچار شکست شد . گزارش دهنده خاطر نشان ساخت که علت اصلی پیدایش وضع بحرانی در حزب کمونیست اسپانیا ، منحرف شدن رهبری حزب از تئوری و عمل مارکسیسم - لنینیسم ، از جنبش جهانی کمونیستی و فراموش کردن تاریخ خود

حزب کمونیست اسپانیا بوده است . رفیق گالیگو افزود :

" کمونیسم اروپائی ما را از یکدیگر جدا ساخت اما مارکسیسم - لنینیسم ما را متحد خواهد کرد "

هنگام صحبت در باره وضع بین المللی گزارش دهنده استقرار موشک های تازه اتمی آمریکائی را در اروپای غربی به شدت محکوم کرد و گفت که این عمل قاره اروپا و صلح جهانی را سخت تهدید می کند . او ماهیت تجاوزگر پیعان آتلانتیک شمالی را رسوا ساخت و خواهان بیرون آمدن اسپانیا از این پیعان و برچیده شدن پایگاه های نظامی آمریکا در خاک اسپانیا گردید .

در این کنگره نمایندگان بسیاری از احزاب برادر کمونیستی و کارگری کشورهای سوسیالیستی و اروپای غربی و آفریقا و آمریکای لاتین از جمله حزب توده ایران ، همچنین از جنبش های آزادی بخش ملی حضور داشتند .

ژاپن

ناکازونوه ، نخست وزیر ژاپن تصمیم اتخاذ شده در باره افزایش بودجه نظامی سال مالی ۱۹۸۴ را به یک میلیارد دلار اعلام کرد . سخنگوی دولت ژاپن تلویحا تأکید کرده این تصمیم زیر فشار آمریکا اتخاذ گردیده است . خبرگزاری کیودو و سوسینگ گزارش داد که وزارت امور خارجه آمریکا از یک چنین افزایش قابل ملاحظه هزینه های نظامی ابراز خوشبختی کرد . این وجوه برای خرید مدرن ترین بمب افکن های شکاری ساخت آمریکا و هواپیمای ویژه ناوگان دریائی با شعاع عمل زیاد و ناوهای جنگی بزرگ یعنی برای افزایش قدرت تهاجمی بالقوه به مصرف

خواهد رسید .

اعتصابات کارگری

برای اولین بار بعد از ۱۰ سال حکومت نظامی در اروگوئه در اثر انحلال اتحادیه کارگری از طرف این سازمان يك اعتصاب ۴ ساعته اعلام گردید که به فلج شدن امور تولید انجامید ، دولت برای سرکوب اعتصاب کنندگان نیروی ارتش متوسل شد .

در آفریقای جنوبی نیز هزاران کارگر آفریقائی صنایع شیمیائی این کشور دست به اعتصاب زد ه اند . این اعتصاب ها به وسیله اتحادیه کارگری کارگران بوجنی رهبری می شد . اعتصاب کنندگان خواهان درآمد بیشتر و بهبود شرایط کار گردیدند .

آندری گرومیکو:

بقیه از صفحه ۵

اتحاد شوروی از جانب خود ، همان طور آخیرا در تصمیمات شورای عالی اتحاد شوروی منعکس شد ، در آینده نیز ، گام های لازم را به منظور بهبود اوضاع بین المللی برخواه داشت .

بگذر امیدوار باشیم که در محافل حاکمه ایالات متحده آمریکا به پیامد های وخیم اخیر مشی که بر پایه جبهه گیری به جای همکاری تسلیحات به جای گفتگو و مشت به جای دیپلماسی بنا شده است پی ببرند .

**کمک مالی به
حزب توده ایران ،
یک وظیفه انقلابی است!**

**رفقای هوادار حزب توده ایران در
اسن (آلمان فدرال)
هزینه چاپ این شماره "راه توده" را
تأمین گردند**

RAHE TUDEH
No. 77
Fri day, 27. Jan 84
Address: **Winfried Schwarz**
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

England	30	P.
Belgium	22	Fr.
Italy	600	L.
U.S.A.	50	Cts.
France	3	Fr.
Austria	8	Sch.
Sweden	3	Skr.

آرش کمانگیر ، کسرایی ، به روایت حیدر مهرگان

بقیه از صفحه ۱۰

تکیه دارد . او بر هستی طبیعت حاضر در " آرش " نظر می افند ، انسان زاده کار را به محک می نشیند ، تضاد و وحدت انسان و طبیعت را ارزیابی می کند ، به روان آدمی می پردازد ، عقل و قلب او را می بیند ، اندیشه و احساسش را می شکافند ، " وسواس و وسوسه " بودن یا نبودن را مطرح می کند و توان بردن رنجی - که در ضعف آدمی و انسانی ترین غریزه و استعداد اوست " اندازه می گیرد و سرانجام به این نتیجه می رسد که :

" قدرت آرش ، در ضعف اوست ، عشق او از نفرت اوست . "

۱ - صفحات ۷ تا ۹	۴ - صفحه ۲۲
۲ - شاعر مکتوبی	۵ - صفحه ۲۷
۳ - صفحه ۱۵	۶ - صفحه ۳۶

**مخارج چاپ مجدد این اثر
ارزنده ، توسط یک رفیق
توده ای پرداخت شد .**

" دیدار با آرش " ، در پایان به تأثیر نیرو ده و حماسه آفرین این منظومه اشاره می کند و به عنوان گواه :

" همایون کتیرائی ، فاتح شکنجه گاه های شاه ، در واپسین شبی که از زندان جمشید آباد به میدان تیر رفت ، گفته بود :

- آرش را بخوانیم .